

بن بست رژیم و "امید امام"

سرانجام پس از کشتارهای بسیار روستیزه‌های دربرده ویی برده، مجلس خبرگان ولایت فقیه آیت‌الله منتظری را به‌جا نشینی خمینی برگزید. "خبرگان" ای که هر یک خود داعیه خلافت دارند و برای برگردن کیسه سرمایه‌داران و زمینداران را برگردیدگان هزار آیه وحی و روایت درسیف می‌کنند، با توصیه خمینی و در شرایط هراس‌ناپذیر از گشتن مبارزات مردم توانستند چنین تصمیمی را اتخاذ کنند.

جانشینی خمینی در واقع یکی از عمده‌ترین مسایل مورد مناقشه جناح‌های رژیم ارتجاع و دستگاه روحانیت بوده و هست. این مناقشه با انتخاب منتظری نیز پایان نمی‌یابد. تلاش شدید خمینی برای تعیین جانشین خود، اساساً ناشی از نگرانی و بیم او نسبت به بقا رژیم منطبق جمهوری اسلامی بوده است. او به‌خیال خود کوشید تا با گزینش منتظری به ولیعهدی، به‌شبهه‌ای همانند آنچه در رژیم‌های سلطنتی مرسوم است، برای "بقا" رژیم ولایت فقیه چاره‌اندیشی کند. او اکنون سخت نگران آن است که بساط ستایش برچیده شود و "بیت" خون آشامش طعمه خشم شعله‌ور خلق گردد. از این رو کوشیده است تا با انتخاب منتظری که مطیع‌ترین و وفادارترین پیرو او در صف "آیات نظام" است، خیال خویش را آسوده سازد.

آیت‌الله منتظری نیز به نوبه خود، کوشیده است تا خصوصیات لازم برای جانشینی خمینی را کسب کند. قبل از هر چیز الگو برداری و تقلیدناشیانه‌ی از خمینی و اثبات مکرر متابعتش از ولی مرتجع، یاری دهنده وی برای کسب این مقام بوده است. کنار گذاشتن حرف‌های نیکو درباره "مستضعفان" و حمایت بیش از پیش از طایفه غارتگر راجه "منافع مشروع" کلان سرمایه‌داران عامل دیگری در تقویت ایشان بوده است. با اینهمه آیت‌الله منتظری برای ایفای نقش خمینی نیاز به کسب خصوصیتی دارد، ای که کسب نمانده است. خمینی در طول دوده و در راستای مبارزه با شاه، همراهی با جنبش‌های و توده‌های و قرار گرفتن در اس این جنبش تاسرتگونی رژیم شاه

بقیه در صفحه ۲

شهادت فدائیان پرسابقه و پیکارجو، قهرمان خلق
محمد امین شیرخانی، بیژن نوبوری، ابراهیم لطف اله زاده

طرفی نسبتند، و جز بونی و شکست نتیجه نگرفتند. رفیق بیژن نوبوری را چند ماه پیش زیر شکنجه شهید کردند و رفقا شیرخانی و لطف اله زاده را در اوایل مهرماه سال جاری تیرباران کردند. ایستادگی و استواری رفقا ادامه جانبا زانسه همه فدائیان خلق شهید بوده و سرمشق سترگ همه فدائیان خلق ایران است. بی تردید هزاران دست از عمای جامعه ما پرچم زمامت را در میدان نبرد خلق علیه رژیم بهره‌گشی و ستم افراشته و افراشته‌تر نگه می‌دارند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) طی اطلاعیه‌ای شهادت این فرزندان دلیر خلق را اعلام نموده است. متن کامل اطلاعیه رهبری سازمان در صفحه ۲ کاردرج شده است.

با زهم خون فرزندان دلیر خلق از جنگال شیطان جماران چای شد. با زهم شب پرستان به امیدای ساختن ظلمت بر تو آینه‌ها ز سه شمع فروزان را خاموش ساختند. سه فدایی رزمنده، یاران روزهای سخت نبرد زندگی، بدست دژخیمان جمهوری اسلامی شهید شدند. رفیق محمد امین شیرخانی، شخصیت برجسته و انقلابی بزرگ کرد و مسئول سازمان ایالتی کردستان، رفیق بیژن مجله نوبوری و رفیق ابراهیم لطف اله زاده فدائیان دلیر و پیکارگرس زمدتها شکنجه توسط دژخیمان خمینی اعدام شدند. دژخیمان رژیم جنایتکار، رفقا شیرخانی، نوبوری و لطف اله زاده را از چند سال پیش اسیر کرده و زیر شکنجه‌های شدید جسمی و روحی قرار دادند، بارها و بارها این فرزندان دلور خلق را تا حد مرگ شکنجه کردند. سرانجام زمانی که از اینهمه وحشیگری

تصویب "قانون" نابودی مطبوعات

مجلس ارتجاع، پس از ۲۷ سال، "قانون مطبوعات" را تصویب گذراند و با ردیگر برنا بودی مطبوعات مهترتا بیدگذا رد، پیش از تصویب این سند رسوا، رژیم خمینی بدون نیاز به هیچگونه قانونی و تنها بنا بر "منطق" شلاق و شکنجه همه نشریات مترقی را بست، و جز چند روزی نامه رسوا و مجیز گوی هیچ روزنامه‌ای را اجازه حیات نداد. "قانون" تماماً ارتجاعی اخیرتتها متوجه آن است که با تسویر و اختناق موجود را تثبیت نموده و کوچکترین روزنای را برای هر صدای مخالف سد کند.

"قانون" ارتجاعی در ع فضل تنظیم شده و هر فصل آن بندی است برپای مطبوعات. در این "قانون" تنها با زبان تهدید و اعراب با مطبوعات سخن رفتند و در آنها مورد جرم و تخلف وزندانهای رنگارنگ پیش‌بینی شده، تا جایی که خزایی

بقیه در صفحه ۲

درین شکفتن و درخون نشستنست

ای همسفر که قصه عشقت پایدار

در صفحه ۱۲

بیاد رفقا: غبرایی، تابان، نوبوری، بیتاجی و ...

فدایی

مادر!

گریان مشوبر آنکه سرافرازمی رود

اشک عبث مریز

برراه آنکه آتیه پرداز می رود!

بریا درفتنش را

می داند

هر گل که چتر می زندومی کندبهار

آری، درین شکفتن و درخون نشستنست

ای همسفر که قصه عشقت پایدار!

اینست را زبلبل و آنست نقش گل.

اینست آنچه هست

برجا، درین سراچه سوزان بیادگار!

مبارزه برای تدوین و اجرای طرح

طبقه بندی مشاغل

تدوین و اجرای یک طرح مترقی برای ارزشیابی مشاغل، اکنون یکی از عمومی ترین خواسته‌های منفی کارگران میهن‌ماست. مطالبه این حقوق منفی و مبارزه پیگیرانه برای تحقق آن، جسامت ویژه و مهمی را در اعتراضات و اعتصابات کارگری جاری بخود اختصاص داده است. هم‌اکنون در بسیاری از واحدهای تولیدی و خدماتی کشور، مساله انتخاب کمیته بررسی طبقه‌بندی مشاغل، شیوه‌های اجرای طرح و همچنین فواید ناظر بر آن موضوع یکسانی از جدترین مبارزات منفی است. اعتراضات و اعتصابات کارگری اخیر در کارخانجات ایران کشف رشت، کمک فدراسی و چندین واحد تولیدی و خدماتی جاده قدیم، جاده مخصوص کرج و شهر صنعتی البرز از جمله آخرین نمونه‌های مبارزه حول محور مشاغل - الذکراست.

خواست طبقه کارگر و روسیاست‌سندیکا بی سازمان‌ها در این خصوص چیست؟ به عبارت دیگر، تدوین و اجرای یک طرح مترقی ارزشیابی مشاغل به چه معناست؟

بقیه در صفحه ۳

درباره تعقیب و مراقبت

در صفحه ۷

در این شماره

- * چرا اعدا ممان کردند؟ در صفحه ۱۶
- * جهان رژیم تبهکار خمینی را محکوم میکند در صفحه ۱۶
- * توطئه "سمنار تهران" علیه معلمین در صفحه ۱۶
- * هجوم بزرگ مالکان به روستا در صفحه ۵
- * کاهش ذخایر ارزی در صفحه ۴
- * ارتشیان از جنگ بیزارند در صفحه ۱۵
- * آنچه در بلوچستان میگذرد در صفحه ۱۱
- * پیراهن سرخ تو ... در صفحه ۶

سیاوش کسرائی
آبان ماه - ۱۳۶۴

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

شهادت فداییان قهرمان محمد امین شیرخانی، بیژن نویری، ابراهیم لطف اله زاده

مردم مبارز ایران! رفقا و همزمان!

با ابراز نعت عمیق از جنایات روزافزون رژیم ددمنش جمهوری اسلامی، شهادت قهرمانانه سه تن دیگر از فرزندان دلاور شما، کادرهای مسئول سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، رفقا محمد امین شیرخانی، بیژن نویری و ابراهیم لطف اله زاده را اعلام می‌داریم.

فداییان خلق، رفیق محمد امین شیرخانی، انقلابی برجسته کرد، مسئول سازمان ایالتی کردستان و عضو شاخص هیات نمایندگان خلق کرد در مذاکره با دولت مبرکزی در سال ۵۸ و ۵۹، یورنفا بیژن نویری و ابراهیم لطف اله زاده ابراستاد با تجربه ترین روزمندان فدایی خلق بودند که همگی زهی سالها بیگانه را غلبی داغ شکنجه و زندان را در رژیم شاه و رژیم خمینی برتن داشتند. رفقا نویری و لطف اله زاده مدت ۲ سال نیز در صفوف انقلابیون فلسطین علیه میهنستیزی اسرائیلی جنگیدند و افتخارات بزرگی کسب کردند.

خمینی جنایتکار این فداییان قهرمان را به جرم

رژیم پلید جمهوری اسلامی هدایت می‌کنند. حکام جمهوری اسلامی که علیرغم تلاشهای بسیار، از درهم شکستن صفوف فداییان خلق عاجز مانده اند، اینک در این خیال ننگ که با جنایات کثیف از جمله با اعدام انقلابیونی که از سالهای گذشته به اسارت و گروگان گرفته بود، قادر خواهد شد در سنگر استوار طبقه کارگر و همه توده‌های محروم و زحمتکش ایران، در رژیم روبروگسترش فداییان خلق ایران خللی وارد سازند. لیکن با بیداری و شهادت قهرمانانه و چون همیشه فدایی وارفداییان خلق، ستونهای مقاومت و مبارزه را در برابر رژیم خمینی استوار و رشوه‌ها می‌رزم رهایی بخش خلق ایران را فرودان ترمی سازند.

جاودان باد دینا دهشیدان بخون خفته خلق سائرباد فیدای خلق علیه ترور و اختناق، علیه شکنجه و اعدام بیوزیاد مبارزه خلق در راه سرگونی رژیم جمهوری اسلامی

کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) ۲۵ آذر ماه ۱۳۴۴

بایبندی برآرمان انقلابی شان، به جرم دفاسع تزلزل تا پذیرا طبقه کارگر و خلقهای ستمکشیده میهنمان و به جرم بیگانه رآشتی تا پذیرا ارتجاع و امپریالیسم، به شهادت رسیده است.

لحظه لحظه زندگی انقلابی هریک از این فرزندان دلاور خلق سرتار از عشق به مردم و میهن خود و مشغول از مبارزه شجاعانه و فداکارانه برای رهایی میهن، به روزی مردم و پیروزی سوسیالیسم بوده است.

رژیم جنایت بی‌شماره خمینی برای ادا به حکومت ننگین خود می‌گوشد تا به زور دستجات سرکوبگر خویش و اعمال خفقان و بیازداشت و شکنجه و اعدام، فریساد اعتراض توده‌ها و جنبش انقلابی میهن ما را خفه سازد. اما مردمیکه جنگ و جنایت و چپاول سرمایه داران و زمینداران جانشان را به لب رسیده است، فزاید اعتراض و شعله مبارزه شان دامنه هر دم وسیع تری می‌یابد.

رژیم خمینی هراسان شاهد اوج گیری فعالیت انقلابی فداییان خلق است. فداییان خلق با فعالیت و شوکت گشته و حضور انقلابی خود در میسبان توده‌ها، آنان را در مبارزه برای رهایی از چنگال

بن بست رژیم و ...

و نیز با تلفیق نفوذ مذهبی و سیاسی خود، از موقعیت بی نظیری برخوردار شد. نتوانست بیش از هر کسی دیگری اعتماد توده‌ها را جلب کند. میلیونها و میلیونها مردمی که هراس با خمینی رژیم شاه را سرتنگون کردند و خمینی را در اسر مبارزه خود می‌دیدند، او را در مان دردهای خویش می‌پنداشتند و بیا و با ورداشتند.

کسب چنان موقعیتی، مستقل از شرایطی که خالق آن بوده، ناممکن است. نه منتظری و نه غلبه هیچیک از "مراجع" و "آیات" نمی‌توانستند موقعیت خمینی را تقلید کنند. نقش خمینی در مبارز مردم، در جمع کردن همه هیات حاکمه زیر رهبری خود و در مهارت رفا و بحرانهای درون حکومت که ملا نشی استثنایی و منحصر بفرده بوده است. نه تنها منتظری هانمی توانستند چنین نقشی را ایفا کنند، بلکه خود خمینی هم، بدلیل خیانت به فلسطینی و برقرار کردن حکومت استبدادی و قرون وسطایی و ریبختن خون بهترین فرزندان مردم، آن موقعیت را از دست داده و اما ج نفرت میلیونها توده‌ها قرار گرفته است. امروز حتی جناحهایی از حکومتیان نیز آشکارا علیه فرمانهای خمینی عمل می‌کنند و "حرم" او را زیر نظر می‌گذارند. خمینی امروز نه به مردم، بلکه به سر نیزه تکیه دارد. او بدون سر نیزه لحظه‌ای دوام نخواهد آورد. در چنین شرایطی، به حکس دوران رونق خمینی، حمایت وی از منتظری نه تنها در میان مردم زحمتکش باعث "اعتبار" نمی‌شود، بلکه شدیداً لغت و نفرت آنها می‌گردد.

خمینی از موقعیت ویژه خود برای استقرار جمهوری اسلامی بهره جست، اما همینگونه تضعیف موقعیت وی و نفرت فرایند خلق آزاو، رژیم اش را نیز بسوی نابودی سوق می‌دهد. هر روز که می‌گذرد، پایه‌های رژیم خمینی سست و سست تر می‌شود. بحرانهای که این رژیم را بنا بر بنی تهنیدیست کند در عمیق ترین وجه خود از مخالفت و مبارزه مردم با این رژیم بهره‌کشی و ستم و استبداد سرچشمه می‌گیرد. مردم هر روز بیشتر به مخالفت با خمینی و رژیم او بر می‌خیزند و نفرت خود را برای نابودی این رژیم شدت بیشتری پیدا می‌کنند. بحران عمیق اقتصادی، بحران سیاسی و فرهنگی، شفا دوگشاژ شديسید در هیات حاکمه، فرورفتن فزاینده رژیم در فساد، سنگینی فزاینده بار جنگ و ... قدم به قدم رژیم جمهوری اسلامی را به سوی گورستان "عشقه" های تاریخ سوق می‌دهد. این رژیم محمول ضرورت‌های تکامل جامعه مانده، بلکه برضد این ضرورت‌ها و برضد نیازهای مردم است. نابودی این رژیم حکم تاریخ است و این حکم نه با خلافت خمینی و نه با جانشینی منتظری تغییر نخواهد کرد.

تصویب "قانون" ...

یکی از اعمال خود رژیم در مجلس می‌گوید: "با جزئی ترین مساله که شما می‌توانید جلوی یک نشریه‌ای را بگیرید ... (ج ۱ - ص ۲۹ مهر)

در فصل دوم، سوم، چهارم، پنجم که "رسالت حقوق" محدود مطبوعات و شرایط متقاضی بررسی شده است، مواد متعددی در جهت سلب هرگونه آزادی مطبوعات وجود دارد. "رسالت مطبوعات" از نظر قانون دست یختار ارتجاع تمام به تعریف و تمجید از رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی وسیاست و ایدئولوژی و فرهنگ منطبق آن منحصر شده است. بر طبق فصل سوم "حقوق مطبوعات" جمهوری اسلامی عبارت است از: حق قوقی کامل، در ماده ۴ این فصل آمده است: "مطبوعات حق دارند نظرات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، ادبی، علمی و ادبی را در مطبوعات خود ابراز نمایند، پیشنهاها، توضیحات، مردم و مسئولین را با رعایت موازین اسلامی و مصالح جامعه درج و به اطلاع عموم برسانند؛ منتظری از موازین اسلامی و مصالح جامعه همانا متابعت کامل از استبداد حاکم و ولئی مرتجع و کارگزاران وی است. بنا بر این شرط مذکور که مفسران هم خود ارتجاع است مثل شمیرتیزی بر گلولی آزادی مطبوعات کشیده می‌شود. در تبصره‌ای بر همین ماده گفته می‌شود: "انتقاد کشیده مشروط به دارا بودن منطق و استدلال و پرهیز از توهین، تحقیر، و تخریب می‌باشد." (ج ۱، اول آبان). دامنه آزادی مطبوعات در رژیم جمهوری آزادی حتی در ورق پاره‌های قانونی و برای روزنامه‌های مجبور، چنان تنگ و حقیر است که تنها بنده دولت مجبور است بپرسد: "اگر مطبوعات نقدی بکنند، تخریب محسوب می‌شود یا نه؟" (همانجا)

مخبر کمیسیون در وصف "حقوقی" که رژیم برای آزادی مطبوعات قایل شده است، با منت اعلام می‌کند: "ما می‌خواهیم ... کار کمیته کسبه مطبوعات مجاز به کسب اخبار باشد؛ تازه همین "حق الهادی" آقایان نیز مورد مخالفت عده‌ای قرار می‌گیرد و سرانجام به عنوان یک ماده (ماده ۶) در حقوق مطبوعات تصویب می‌شود که "کسب و انتشار اخبار داخلی و خارجی" آنهم با رعایت "این قانون" مجاز می‌باشد.

وقتی که حقوق مطبوعات در جمهوری اسلامی چنین باشد، "حدود مطبوعات" دیگر به خوبی روشن است. اساس قانون راهمین فصل حدود مطبوعات تشکیل می‌دهد و هدف آن ایجاد محمل قانونی برای سرکوب کوچکترین صدای مخالفان است. "قانون" بایک ماده (ماده ۷) ۱۲ بند و یک تبصره هرگونه آزادی مطبوعات را به بند کشیده است؛ نشر مطالبی که به اساس جمهوری اسلامی لطمه وارد کند "جرم شناخته شده است تا می‌بادا کلمه‌ای از لوزم میسارزه کارگران و زحمتکشان بر علیه سرمایه داران و رژیم مدافع آنان در روزنامه‌های نوشته شود" "اهانت به مقام معظم رهبری و مراجع مسلم تقلید" جرم شناخته شده است تا می‌بادا حرفی در اشای جنایات و آدمکشی‌های خمینی به میان بیاید. سخنستان موسوی شیرازی یکی از نمایندگان مجلس ارتجاع در باره حدود مطبوعات تا می‌باید که مل تری از درجه آزادی کشی و سرکوب مخالفان در جمهوری اسلامی را روشن می‌کند و نشان می‌دهد که حتی فرقه‌های مختلف اسلام نیز که مثل دیکتاتورهای حاکم

فکر نکنند، آزاد نیستند تا چه برسد به نیروهای انقلابی مدافع زحمتکشان؛ اینهمه فرقه‌های مختلف که در اسلام هست، همه آنها اتکا شمسان به قرآن است. احادیث و روایات هست، و لسی در عین حال در اینها عقاید انحرافی هم هست. فقهای ما گفتند، حفظ کتابها بی‌کی، مطلب انحرافی دارد ... اینهم کتب ضلال و حفظ آن حرام است" (جمهوری اسلامی - اول آبان)

در فصل پنجم که "شرایط متقاضی و مراحل صدور پروانه" بررسی شده، چنان قل و زنجیرهای بی تدارک شده که هیچ متقاضی، جز مشتی جیره‌خواران بارگاه خلافت، را جرئت وتوان انتشار روزنامه‌ای نباشد. شوشتری نما پندیده مجلس حکومتی ماهیت واقعی مساله را بیان کرد و گفت: "شرایطی که در فصل پنجم برای متقاضی تشریه آمده به حق سنگین و کامل است" (اطلاعات ۲۹ مهر).

مردم ایران! برای سرگونی رژیم جمهوری اسلامی و برپایی جمهوری ملی و دموکراتیک ایران به سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پیوندید

رفقا و دوستان عزیز! بگوئیم تادر پانزدهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) برای کمک به رهایی خلق ایران همه ابتکارات را برای جلب هر چه بیشتر پشتیبانی مالی از سازمان بکار بندیم

پیام مشترک کمیته مرکزی حزب قوه ایران و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

اعتراض علیه شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی را رسانت سازیم!

با خشم و نفرت بیگران اعلام می‌کنیم که با ردیگر گروهی از اعضای رهبری و کادرهای مسئول سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران همراه با زخم‌بیشتری از فرزندان مبارز مردم زجر دیده و بلاگشیده ایران به حکم رژیم چمهوری اسلامی به جوخه اعدام سپرده شده و با زیر شکنجه جان باختند.

رژیم جمهوری اسلامی ایران حتی ابتدایی ترین حقوق و آزادی های سیاسی و اجتماعی مردم را وحشیانه لنگدکوب می کند. در همین مابتمام احزاب، سازمانها و نهادهای فعال کسبیت سیاسی و حتی سندیکایی رژیم سترخشنترین پیگردهای پلیسی قرار دارند. اعتبارات و افتخارات کارگری و اجتماعی ماسلمت آمیسمز و راهیمیایی های مردم سرکوب می شود، مطبوعات مترقی را سال تعطیل کرده اند. اعمال ستم بر اقلیت های ملی و مذهبی پیدا می کنند. حکومت با ارتجاعی ترین روش ها زنان را مورد تحقیر و توهین قرار می دهد.

دهها هزار نفر را به صرف پابیندی به عقابعدی

درباره نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی ایران شومنه ای از اعتراض چها نشی علیه گسترش شهکانهای رژیم ایران است.
ما با انزجا رعمیق این رفتار فوجیح و جنا بیکارا نه با زندانیان سیاسی را محکوم می کنیم. ما این سن چنایات را با تشدد میارزده علیه سرکوب و ستمگری که برخلق ما تحمیل شده است. ما سخمی گویمیم، ما از همه احزاب و سازمانهای شرقیخواه و مدافع حقوق آزادیهای فردی و اجتماعی دعوت می کنیم تمام امکانات خود را برای جلوگیری از کشتار زندانیان سیاسی ایران بکار گیرند. ما از همه مردم میهن دعوت می کنیم صدای اعتراض علیه ترور و اختناق علیه شکنجه و اعدام را رساتر سازند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۲۸ آذر ماه ۱۳۶۴

یکی از علل اعتراضات کارگری جاری علیه رژیم است. بحلاوه ، طرح موجود از نظر دانه شمول نیز اساسا محدود و اعدا می است که بیش از ده کارگر سر دارند و تنها دو برگیرنده کارگری است که به استخدام رسمی درآمد دارند. رژیم، در اجرای این طرح نیز برای شکل های کارگری کمترین نقشی قایل نیست.

ظواهر اجرای طرح بعهده کمیته های ۵ نفره طبقه بندی مشاغل در کارخانجات است. انتخاب اعضای این کمیته ها و چگونگی ترکیب آن، یکی از عرصه های حاد مبارزه میان توده کارگران و مدیریت ها و انجمن های اسلامی است. کارگران این رژیم می کوشند با اعمال نفوذ خود مانع تشکیل کمیته های مورد نظر کارگران شوند.

رژیم خمینی با سرکوب بی وقفه و سیاستهای یک شکل های مستقل کارگری و محروم کردن کارگران از شرکت در تدوین قانون کار و طرح های از قبیل طبقه بندی مشاغل ، حقوق سلب شده کارگران را - ما نند خود کارخانجات - به بخش خصوصی واگذا کرده است. بنحوی که تدوین طرح طبقه بندی مشاغل اساسا به بیانه ایته که سالهای فنی و تخصصی است به موسسات خصوصی مشاوه فنی سپرده شده و شکل های کارگری ، کمترین سهمی در تدوین آن ندارند.

لا یح قانئون کار سرحدی زاده نیز اشاره ای به سهم شکل های کارگری در تدوین و اجرای طرح ارزشیایی مشاغل نکرده است. هدف رژیم روشن است ؛ از نظر اقتصادی ، جلوگیری از افزایش دستمزد و دو قناعت در برابر گروه تغییر جسدی در ضوابط ارزش گذاری کارو از نظر سیاسی، دان زدن به تضایات درونی در صفوف طبقه کارگر از طریق اعمال تبعیض در میان گروه بندی های شغلی مختلف و قالب کردن تضایات شغلی به مثابه شکافهای طبقه فنی در کارگران ، تا کید بر اصطلاح "طبقه بندی" مشاغل بجای ارزشیایی بی مغال نیز از همین انگیزه ناشی می شود.

درو سازماندهی اعتراضات جاری حول طرح ارزشیایی مشاغل ، باید نه تنها بر هندهای اقتصادی اجرای این طرح ، بلکه بر اساس دسیاسی آن و مشخصا بر حفظ و تقویت یکپارچگی صفوف طبقه کارگر نیز تکیه داشت. مبارزه برای تدوین و اجرای یک طرح مترقی ارزشیایی مشاغل ، اکنون بطور عینی با مبارزه جاری برای افزایش دستمزد عجین شده است. کارگران پیشرو و آگاه باید با تکیه ای این مطالبه عینی شده ای ، مبارزه برای افشاء و لغو نظام کنونی طبقه بندی و استقرار یک سیستم مترقی ارزشیایی مشاغل را سازمان دهند. در چنین شرایطی ، همه های مخفی کارگری باید با استفاده از همه امکانات موجود ، بیوز به اتحاد کار و سازماندهی انتخابان "کمیته های بررسی طرح طبقه بندی مشاغل" واحدهای مختلف تولیدی و خدماتی ، این مبارز ربه گسترش راهبردی کنند.

مبارزه برای تدوین

طبقه بندی مشاغل ، نظام ارزشیایی گروههای شغلی مختلف در یک کشور ، یک رشته ، یک منطقه ویا یک واحد تولیدی است. ارزشیایی مختصا ت و ویژگیهای ماغله مختلف و نظر گرفتن تضایات آنها از یکدیگر و تعیین ویرا دخت دستمزد بر اساس کمیت و کیفیت کار و راه لوده طرح طبقه بندی مشاغل را تشکیل می دهد. تدوین و اجرای یک نظام مترقی ارزشیایی مشاغل از حقوق مسلم کارگران بوده و یکی از عرصه های مهم جنبش مطالبه ای کارگران است. تدوین و اجرای یک چنین طرحی ، قطع نظر از نتایج مستقیم و بلا واسطه ای که در ترمیم سیستم دستمزد کارگران می گذارد ، در عین حال بنحیوان محرک ای برای تشویق کارگران به افزایش سطح دانش فنی و حرفه ای خود نیز ضروری است. لکن از آنکیزه طبقه کارگر تا کید بر ضرورت تدوین و اجرای یک طرح مترقی ، علاوه بر ارزش گذاری عادلانه کمیته و کیفیت کار ، استفاده از این ضوابط بنحیوان محملی برای ارتقاء سطح آموزش عمومی و حرفه ای و تربیت کادرهای فنی نیز هست. موشتر ترین ضامن تدوین و اجرای یک طرح مترقی ارزشیایی مشاغل ، مشارکت فعالانه شکل های مستقل کارگری است. مهمترین شاخص های طرح طبقه بندی عبارتند از : مهارت فنی ، سابقه و تجربه کار ، مدرک آموزشی ، درجه مسؤلیت پدیدبرئی میزان تلاش برای ارتقاء کمیته و کیفیت کار و شرایط کار. بهر یک از شاخص های فوق در جدولی به نام جدول و هنمای مزد ، امتیاز معینی تعلق می گیرد و ارزش پولی کل امتیازات ، برابر یک واحد از حقوق یک کارگر است.

طبق معیار های نظام طبقه بندی موجود ، با لاترین امتیازات متعلق به دارندگان مدارک تحصیلی بالا ، سرپرستان و کارکنان اداری (مجموعا حدود ۶ درصد امتیازات) ویا بین ترین "امتیازات" نیز به شرایط نامسا معیبط کار ، سختی کار و کارهای پر مخاطره و زیان آور اختصاص دارد. "امتیازات" کارهای شدید جسمانی کمتر از ۱۰ درصد است و برای شرایط نامسا عدی چون گرمای زیاد ، سرما ، طوبت ، هوای آلوده و نامطبوع و جای کم نور از ۶ درصد هوای وزنی کند. کار در شرایطی که خطر نقص عضو کلی وجود دارد ۳ درصد و جای که خطر نقص عضو موضعی (دست یا پا و...) وجود دارد ۲ درصد از کل امتیازات است آنچه که بر روح ملاک های ارزش گذاری در این طرح حاکم است ، یک تبعیض مضاعف در حق اکثریت عظیم کارگران است. تبعیض ناشی از تنظیم طبقه بندی مشاغل ، تبعیض ناشی از سیستم غیر عادلانه دستمزدها را تشدید می کند. قطع نظر از تضایات فضاگرگی نظام طبقه بندی موجود ، نکته قابل توجه آن است که وزارت کار رژیم خمینی ، حدا کثرا افزایش سطح دستمزد هر گروه شغلی و هر کارگر را مادل ۷ درصد حقوق تعیین کرده است. پابین بودن سقف ترمیم دستمزد در این طرح ،

مصاحبه با دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست آتریش

"اکثریست" نشریه سازمان در خارج کشور گفتگویی با رفیق قرانتس موری دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست آتریش که از ما حین نظر ان برجسته جنبش جهانی کمونیستی است ، انجام داده است که در شماره ۸۰ این نشریه که در تاریخ ۶/۸/۶۴ انتشار یافت ، متن کامل آن به چاپ رسیده است. در این مصاحبه رفیق موری در مورد نقش و مبارزه حزب کمونیست آتریش اظهار داشت : " مبارزه حزب ما و نشریه آن " فولکس اشتیمه " (صدای خلق) ، در راهی رشد اقتصادی به بهبود شرایط مادی طبقه کارگر در زمینه دستمزدها و باز نشستگی ، کاهش ساعت کار و غیره کمک فراوانی کرد. ما بعدا از طرح ماسلمان اقتصادی در او اسط دهه هفتاد برای دفاع از دستاوردها در جهت اتخاذ تدابیر موثر علیه بیگاری ، علبسه سیاستی که سعی در انتقال فشار بر جان بروری دوش زحمتکاران را دارد و توسط سرما به دولت دنیال می شود ، در صف مقدم قرار داشته و داریم. رفیق موری در باره سیاستهای جنگ طلبانه امپریالیسم آمریکا گفت : "ریگان و دستگاها دارن او عمدتا بمتا به با زوری سیاسی ارتجاعی ترین چنانچه امپریالیسم آمریکا ، بیوز به مجتمع نظام صنعتی عمل می کند ، این نیروها بمنظور گمراه کردن افکار عمومی خواستار مدارات صوری در زنون ایران آمریکا و تحادشوروی می باشند. در حالی که آنها به منظور برتری نظامی براتحادشوروی و در تقاضای زمینها به نظامی گری ادامه داده و بیوز به میلیتاریزه کردن فضا شتاب بیشتری بخشیده اند. ایالات متحده آمریکا تا بحال همه پیشنهاد های سازنده تحادشوروی را رد کرده است ؛ متوقف ساختن تسلیمات اتمی و استقرار موشکها در اروپا و قطع آزمایش سلاحهای اتمی ، صرف نظر کردن از نظامی کردن فضا و دیگر ریسینها ، تدبیر جهت میسارزه وسیع تر و متحد نیروهای ملتح دوست فروری می باشد تا در زنون پیشرفت های واقعی حاصل شوند.

دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست آتریش در مورد جنگ ایران و عراق و تانخیران در منطقه ، همچنین سیاستهای حکومت ارتجاعی خمینی جنبش اظهار داشت : " ما از این جنگ عمیقا اظهار تاسف می کنیم و بر این عقیده هستیم که این جنگ میان ایران و عراق فورایا بدخاتم می آید. مسؤلیت این امر متوجه طرفین می باشد. این جنگ نیروها و وحدت خلقهای عرب را در مبارزه علیه دشمن مشترک واقعی ، امپریالیسم آمریکا و نیروهای ارتجاعی در اسرائیل دچار ضعف می سازد. در گیریهای نظامی محلی و منطقه ای در وضعیت کنونی جهان ، خطر توسعه آن را با خود به همراه دارند. بدین جهت ، خاتم دان به این جنگ از نظر حفظ صلح جهانی نیز ضروری می باشد. اما در رابطه با رژیم ایران باید بگویم دولت تحت رهبری خمینی به امیدها برای اقدامات مثبت و مترقی در ایران بعد از سقوط رژیم شاه جامه عمل نپوشاند.

کمیونیستهای آتریش با نیروهای مترقی انقلابی در ایران ، با کمیونیستهای فدائیانش خلق (اکثریت) ، با خواستهای به حق آنها ، مبارزه شان برای لرن ترا تویی دمکراتیکه اجتماعی و راستین همبستگی کامل دارند. این مبارزه نه فقط برای خلق ایران بلکه برای اهمیت بسیاری است بلکه برای جنبش کارگری و جنبش سیاسی بخش بین المللی و همچنین برای مبارزه در راه صلح نیز اهمیت دارد. ما معتقدیم که آرمان به حق شما پیروز خواهد گشت.

سازمانها و احزاب ترقیخواه ایران!

فدائیان خلق شما را به اتحاد برای

سرنگونی رژیم خمینی فرا می

بحران اقتصادی رژیم امسال و بویژه در ماههای اخیر شدت بیشتری یافته است. بر اثر تهمبهاران مداوم جزیره خاگرک و نشتکها میزان صادرات نفت و در نتیجه ارز دریا فتنی رژیم بطور فاحشی کاهش یافته است.

در طی حکومت جمهوری اسلامی وابستگی اقتصادی ایران همچنان حفظ شده و در موارد بسیاری نیز شدت یافته است. طی سالهای اخیر واردات کالا نیز افزایش پیدا کرده است. مقایسه واردات کالا در سال ۵۶ (حدود ۱۴ میلیارد دلار) با واردات در سال ۶۲ (حدود ۲۲ میلیارد دلار) این سالها را بخوبی نشان می دهد. مقایسه با وابسته به حکومت اعتراف می کنند که: " حتی علوفه گاودانه مرغرا هم از خارج وارد می کنیم " (محمد عبیدادی نماینده مجلس - کیهان ۱۱ مهر ماه ۶۴).

افزایش واردات تنها زمینه پرداخت ارزهای کلان می باشد. ولی این از نظر طبقه صادرات کالا لایه های غیرنخبه تا مین نمی شود. زیرا صادرات ایران فوق العاده کم بوده و مداوم نیز کاهش می یابد. مثلا در سالهای ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ صادرات کشور به ترتیب ۸/۳ درصد و ۵/۹ درصد واردات را تشکیل می داد. در حالی که در سالهای ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ میزان صادرات به ترتیب ۲/۴ درصد و ۱/۹ درصد واردات کاهش یافت. یعنی صادرات غیرنخبه از حدود ۸۱۲ میلیون دلار در سال ۱۳۵۸ به ۲۸۴ میلیون دلار در سال ۱۳۶۱ تقلیل پیدا کرد.

در دوران رژیم شاه خائن و در طی حکومت جمهوری اسلامی صادرات نفت همواره مهمترین منبع تامین ارز بوده و واردات کالا عمدتاً به بخش ازبیرداختهای ارزی کشور را تشکیل می داده است. در سالهای ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۶ متوسط سهم دریا نفت از ارز حاصل از صادرات در میزان ارز دریا نفتی کشور ۸۴/۲ درصد بود. در حالی که در سال ۶۱ سهم نفت در کل دریا نفت های جاری ارزی کشور به ۹۲/۴ درصد افزایش یافت. این امر نشانگر میزان وابستگی دریا نفت های ارزی کشور و اقتصاد دجا معه ما به صادرات نفت است. در هم تنیدگی اقتصاد کشور با ارز دریا نفتی از صادرات نفت و نوسانات در قیمت و میزان فروش نفت آسیب های جدی به اقتصاد ایران می زند.

رهبران مترجع جمهوری اسلامی نه تنها برای تقلیل وابستگی اقتصاد کشور به ارز دریا نفتی حاصل از صادرات نفت نکوشیدند، بلکه با بازسازی

سرما به داری وابسته و ادا مه جنگ ویرانگر ایران و عراق به این امر شدت می دهند. آنان برای تامین هزینه جنگ و مهار موقت بحران اقتصادی و بسیاری کسب ارز به بیشرای افزایش صادرات در پی هستند. می گیرند و برپای دستپاچی به باز آرای جدید، چوب خراج بر بخش نفتی ایران می زنند و به این وسیله اقتصاد کشور را هر چه بیشتر به نفت وابسته می کنند.

کاهش ذخایر ارزی و بحران اقتصادی رژیم

تک پایهای بودن اقتصاد کشور و کاهش صادرات نفت تا شیرت مخرب بر تولیدات صنعتی و کشاورزی، بودجه عمرانی و کل کشور، نیروی کار و سطح زندگی کارگران و زحمتکشان و دیگر جوانان اقتصاد کشور بجا می گذارد.

از اوایل امسال و بویژه از تیر ماه به این سو تعداد زیادی از واحدهای تولیدی به جهت کمبود مواد اولیه، قطعات یدکی و فرسودگی ماشین آلات، به حالت تعطیل و یا نیمه تعطیل در آمدند و در اکثر کارخانجات میزان تولید به نحو محسوسی کاهش یافت. این مساله در واحدهای بزرگ تولیدی و به خصوص شنگیری دیده می شود. کارخانه اسیسیران ناسیونال، جنرال تایر، بنزخاور، نو دلولو هواز، لیبیرنگ ساری تبریز، میگو، اونیورسال، بلسوند، هلیا لکوزا از این جمله اند. سرمداران جمهوری اسلامی خود بناچار به این بحران اعتراف می کنند. بهزاد تنبوی وزیر صنایع سنگین می گویند که تولید صنایع در سال جاری کاهش زیاد خواهد یافت. این کاهش در سه ماهه اول سال جاری، ۲۴ درصد رسید. بسیاری از مشکلات واحدهای تولیدی ناشی از کمبود رزاق است. سیکن تولید کارخانها در داخل کشور بسته نمی شود. این واحدهای تولیدی به مواد اولیه و قطعات یدکی و وارداتی شدیداً نیاز دارند. ماشین آلات صنایع کشور به جهت پایین آمدن عمر بهره برداری آن فرسوده شده اند. نوسانی است. از گردونه بهره برداری خارج شوند. فرسودگی ماشین آلات در کیفیت تولیدات و در با زدهی

کار تا شیری گذارد. واحدهای تولیدی برای تامین مواد اولیه و قطعات یدکی و تعویض ماشین آلات احتیاج مبرم به دریا فتنی دارند. به گفته وزارت صنایع در سال ۱۳۶۲ تنها ۲۵ درصد اعتبارهای ارزی صنایع تا مین شده است. گرچه برای شش ماه اول امسال تا مین در این زمینه ارایه نشده است ولی به جهت کاهش صادرات نفت سهمیه ارزی صنایع به مراتب نسبت به سال قبل کمتر شده و نتایج زیانبار خود را در واحدهای تولیدی نشان داده است. کاهش تولید در صنایع کشور و تعطیل و نیمه تعطیل شدن تعدادی از آنها به اخراج وسیع، باز خرید تحمیلی، باز نشتی زود تراز موقت، مرضی جباری و نقل و انتقال های اجباری کارگران منجر شده است. بسیاری که محصولات سبک سرما به داری است در سایه جمهوری اسلامی روبه گسترش آنها دواکنون با اخراج فوج فوج کارگران از واحدهای تولیدی و بر خیزل عظیم ارتش بیگاران هر چه بیشتر افزون می شود. اخراج و بیگاری آنچنان ابعاد گسترده ای پیدا کرده است که هم اکنون به جدی ترین مساله در بین کارگران تبدیل شده است.

کمبود ارز و نوسانات قیمت نفت بر بودجه کشور و تاثیرات آن جدی دارد. کاهش صادرات نفت موجب شده است از میزان بودجه کل سال ۶۵ بطور قابل توجهی بکاهند. بودجه عمرانی نیز به همین روشنت دچار نشت و به علاوه میزان درآمد پیش بینی شده از فروش نفت در بودجه سال ۶۴ نیز تا مین نخواهد شد و موجب خواهد گردید که کسری بودجه بیشتر از پیش افزایش پیدا کرده و بر استقرار دولت از با ننگی افزوده شود. رژیم صدمردمی با بحران را بردوش زخمی زحمتکشان گذاشته است. مصیبت های هولناک نظام منحط سرما به داری بر زندگی کارگران و دهقانان و زحمتکشان فرود می آید. مصیبت های ناشی از زراعتکاری و هرج و مرج اقتصادی و جمهوری اسلامی و مصیبت های ناشی از جنگ و کمبود ارز و غیره نیز زندگی زحمتکشان را زیر فشار قرار می دهد. بحران اقتصادی جمهوری اسلامی همه عناصر سر بحران را در تن خود پوددانی نظام، سرانجام در بحران ناشی از فقر خلق از این رژیم جسمی با بسد و به صورت نبرد خلق برای بودی آن پاسخ خود را پیدا می کنند.

همه جانبه با رژیم، جلب ورزشکاران و مربیان تیمها و روزنامه نگاران و سایر دست اندرکاران ورزشی و تشویق آنان به گسترش مبارزه با عوامل ارتجاعی تربیتی و بدنی سازمان دادن اعتراضات آنان علیه رژیم از اهمیت بسیاری برخوردار است. استفاده مناسب از رفتارهای موجود در جهت ایجاد تجا بیات اعتراضی، تشکیل تیمهای ورزشی در سطح کارخانجات، محلات، مدارس و دانشگاهها و استفاده از آنان در جهت کارگاهها، شرکت در جنبشها و توده های علیه جنگ و رژیم و گسترش این جنبشها نیز از جمله وظایفی است که باید مورد توجه قرار گیرد. فعالین فدایی باید بکوشند و ورزشکاران ورزشی را در هر چه بیشتر به مبارزه علیه رژیم و به سوی سازمان خود جلب کنند.

نابودی ورزش در رژیم خمینی

هفدهم دیماه سالروز شهادت جهان پهلوان تختی چهارم نام مبارک تختی ایران روز ورزش است تختی در طی حیات ورزشی خود بارها به پیروزیهای چشمگیری دست یافت، اما آنچه که ما می یاد تختی را در میان مردم ایران جاودانه ساخت، جوانی نرسیدی، انسان دوستی، عوق او به مردم زحمتکش و تلاش بخاطر بهروزی آنان بود. این صفات تختی را محبوب مردم ایران ساخت. تشییع جنازه پر شکوه او به نمایش اعتراضی علیه رژیم شاه خائن بدل گردید. بعدها ورزشکاران بسیاری در آمدید اینها ی ورزشی و زندگی شخصی واجتماعی سرمشق قرار داده و روش ورزش او را زنده نگاه داشتند.

ورزش و تنش او را زنده و پرا افشا را بر آن که سرمشق های چون پوریای ولی و تختی دارند اما امروز پهلوانان و قهرمانان بسیاری را بر سرشت نیک انسانیت و مردمی پرورش داده است. غالب این قهرمانان متعلق به خانواده های تهیدست و زحمتکش بوده و با کار و تلاش به میدانی بین المللی راه یافته، پیروزیهای چشمگیری بدست آورده و به ورزش ایران اعتبار بخشیده اند. با کوشش این قهرمانان تیمهای کشتی، وزنه برداری، فوتبال و... نام ایران را در جهان بلند آوازه ساختند. تختی سبیل ایستاد قهرمانان است و ورزشکاران ایران سالروز شهادت او را به عنوان روز ورزش گرامی می دارند.

جمهوری اسلامی سیاست انهدام ورزش ایران را در همه زمینه ها دنبال می کند. ورزش زنان با وضعیت غم انگیزی روبروست و رسماً به عرشته ورزشی محدود شده است و همین عرشته نیز با تعطیل و با در تصرف تعطیل است. داود علی شمس سرپرست تربیت بدنی در سمیناری به مناسبت ورزش زنان گفت: " البته خواهران ورزشکار نیز در آینده به مسابقات خارجی و بین المللی اعزام خواهند شد. البته نه برای ورزش کردن بلکه برای ارشاد ورزشکاران کشورهای دیگر! این سخنان نشانگر عمق پوسیدگی و انحطاط فکری و افکار ارتجاعی دست اموزان تربیت شده خمینی نسبت به مسئله ورزش زنان است.

ورزش مردان نیز بر اثر سیاستهای ارتجاعی رژیم به بیما در تصرف مرگ می ماند. حکام جنایتکار جمهوری اسلامی که ورزش را با صدور "انقلاب و کتبی" ورژه رفتن در پس و پیش کشتی خمینی جلاد یکسان می دانند، فحای خفان آ میز را بر محیطهای ورزشی، فدا سینه ها و با شگها تهیه تحمیل کرده اند. رژیم هم می کوشد ورزشکاران را به پذیرش معیارهای ارتجاعی و احقاق آن خود تسلیم کند. گروهی فدایی و ورزشکاران که تسلیم این ارتجاعی گری نشده اند، مورد تعقیب

درگذشت نویسندگانی بزرگ

با درگذشت فراوان، دکتر غلامحسین سعیدی داستا ن سرا و نسا پیشا مه نویسن بزرگ ایران در غربت درگذشت. در عرصه هنر و ادبیات معاصر ایران و بویژه در هنرهای نمایشی، ما سعیدی چهره ای برجسته و به یادماندنی است. او با آثار ارزشمندش، درنگامل نسا پیشا مه نویسن و تاملی مان نشی بی بدیسی داشت. مضمون این آثار در سمت دهی ترقیخواهانسه به ادبیات دوران خود تا شیرت عمیقی داشت. نوشته ها و آثار سعیدی همچنن، به تربیت هنرمندان جوان مبارزان، یاری فراوان رساند. دکتر سعیدی با هنر خود، علیه رژیم شاه، علیه ستم و بیاد رسما به داری مبارزه کرد و به سهم خود، خدمات شایانی به مبارزه انقلابی مردم ما انجام داد.

حاکمیت قرون وسطایی جمهوری اسلامی که دشمنی بی گران با هنر و فرهنگ مترقی دارد، فحای سعیدی را موش نشندی در این میدان به بار آورده و هنرمندان بسیاری را قربانی گرفته است. ما سعیدی شیز از جمله این قربانیان بود که مجبور شد جلا وطنی کند و در دور مردم مدهد در دور شرایط دشوار مهاجرت به مبارزه ادامه دهد. در چنین اوضاع اندوهناک این هنرمند بزرگ از میان ما رفت. درگذشت او با بعدی بزرگ برای هنر و ادبیات کشور است و مسبب آن رژیم منحط و هنرستیزی جمهوری اسلامی است. بی گمان در پوریا نه های این رژیم روزگار اوارت اندیشه و هنر نیز به پای خواهد رسید و هنرمندان مردم دوستی چون دکتر سعیدی جایگه خایسته خود را در میانشان خواهند یافت. کار و آثار هنر مندانی چون سعیدی زنده خواهد ماند و در تاریخ کشور ما از آن به نیکی یاد خواهد شد. یاد او و گرامی بساد.

هجوم بزرگ مالکان به روستا

بزرگ مالکان فراری، گروهی که با حمایت سران خائن جمهوری اسلامی و حکام دادگاهها و حاکمان روستاها به زمینهای خود در روستاها هجوم بردند. اکنون کار به جایی رسیده است که حتی روزنامه‌های حکومتی نیز مجبور می‌شوند که گاه مآزوری از درگیری و مقاومت دهقانان زحمتکش علیه بزرگ مالکان و ارگانهای سرکوبگر رژیم ضد مردمی را انعکاس دهند. رژیم بخش قابل ملاحظه‌ای از زمینهای مصادره‌ای توسط دهقانان در اوایل انقلاب را که در مقامی با کل زمینهای بزرگ مالکان رقم بسیار ناچیزی بود، به بزرگ مالکان بازگرداند. است. جمهوری اسلامی دیگری از زمینهای مصادره‌ای را که بدلیل مقاومت دهقانان بازگردانده است، «کشت موقت» بلا تکلیف برگردانده است. تا از اعتراض‌گسترده دهقانان ممنوع ماندن در فرستی مناسب آنها را نیز به بزرگ مالکان بزرگ برگرداند.

حال که فریاد اعتراضی دهها هزار مظلوم و بیگناه بلند شده است، بحران فراگیر همه عرصه‌های حیات منحوس جمهوری اسلامی را فرا گرفته و درگیرها و تضادهای درون حکومت شدت وحدت یافته داشته. مردم برای تصفیه حسابهای درونی و تحکیم موقعیت خود در حکومت و ارگانهای گوناگون آن سود

جویند. در این رابطه است که آنها به افشاگر و بیگانه با پرده زنده، برای مدتی با فریبکارانه از مبارزه با «ظلم» و «ظلم فوجیه» سخن می‌گویند. سخنان سخنگوی ستاد مرکزی «هیاتهای هفت نفره» و گذاری زمین، درصاحب با روزنامه‌های گوناگون در تاریخ ۲۲ مهر ۱۳۶۲ علی‌رغم اهداف وانگیزه‌های آن، یکبار دیگر ما هیت ضد مردمی و ضد دهقانان جمهوری اسلامی را عیان ساخت. او گفت:

«مشکل ما در مورد اراضی کشت موقت این است که مالکین دست بردار نیستند... (دادگاهها) حکم ما درمی‌کنند یا زمین را چریب و میوه زنده نمی‌کنند». «فرضا» در مورد برگشتن روستای استخرجان زمینهای است که دادگاه حکم داده... و زارعین را به زنده انداخته و زمین را از آنها پس می‌گیرد و زارعین به ناچار روستا را رها کرده و دنبال کارگری می‌روند... در دولت آباد دهان... دادگاهها کفبری یک زابل حکمی ما درمی‌کنند که در زمین مسز مبرد و در تصرف نشود و بعد از آن مالکین رفته و اقدام به کشت کرده‌اند... مورد دیگر در نوروز آباد میان است که زراعین در سال ۵۹ زمین در اختیارشان قرار می‌گیرد و دادگاه بعد از آن حکمی می‌دهد و موجب می‌شود که زراعین را چند مرتبه به محکمه بکشند و حتی تعدادی از نمایندگان مجلس طی نامه‌ای در آبان ماه سال ۶۰ به رئیس دیوان عالی کشور تقاضای کتبی نسبت به لغو این حکم اقدام کرده‌اند. شد و حتی نسبت به کسی که حکم را صادر کرده است مطالبی می‌نویسند که قابل بررسی است. اما سر اصل کار می‌شود که ما در این... آخرین حکمی که دادگستری می‌بانه در تاریخ ۶۴/۷/۹ صادر کرده، حکم قبلی را به زارعین ارجاع داده و ۱۲ نفر از زارعین

نمونه‌هایی از مقاومت دهقانان

بازگشت بزرگ مالکان به روستاها شدت وحدت بی سابقه‌ای یافته است. بزرگ مالکان فراری با حمایت همه جانبه ارگانهای گوناگون رژیم و حاکمان دادگاهها به دهقانان زحمتکش و محروم افتادند و زمینهای مصادره‌ای را با زمینهای مبادرت و مقاومت دهقانان در مقابل بزرگ مالکان و ارگانهای سرکوبگر رژیم هر روز گسترده‌تر می‌شود. روزی نیست که خبری از بازداشت زندان و یا جرمی دهقانان نشناخته نشود. نمونه‌های زیر بخوبی این امر را نشان می‌دهد.

مبارزه متحدان اهالی روستای "انجیره"

در آخرین هفته شهریور ماه سال جاری روستای انجیره از توابع شیراز صحنه درگیری شدیدی بین اهالی این روستا از یک سو و طرفداران و عوامل «منصورخان عابدی» از سوی دیگر بود. ماجرا از آنجا آغاز شد که منصورخان عابدی اقدام به تصرف بخشی از زمینهای موات این روستا نموده و شروع به ساختن ساختمانی در آن کرد. اهالی روستای منبوریه این اقدام اعتراضی کرده و ابتدا با نوشتن شکایت و جمع آوری طومار و راه آن به مسئولین حکومتی، خواهان جلوگیری از تصرف زمینهای روستا توسط وی شدند. روستاییان که بی توجهی مسئولان را مشاهده کردند خود را دستگیر کردند و دست به کار شده و از اقدامات منصورخان جلوگیری کردند و عوامل وی را از آنجا فراری دادند. ما موربینان ژاندارمری به حمایت از منصورخان در صدد دستگیری آنرا رفتیم. این روستا را مردم روستای انجیره بطوریکه رچه در برابر ما موربینان ایستاده و اعلام کردند که: «اگر می‌خواهید آنها را دستگیر کنید، باید همه ما را ببرید». اهالی روستای انجیره می‌گفتند: «قبضه فقط بر سر زمین نیست، دوران خان و خان بازی باید به سر آید. ما منصورخان را به ده راه نمی‌دهیم».

مقابله دهقانان حاجی آباد با

توطئه‌های بزرگ مالکان

بعد از انقلاب ۷۵ نفر از روستاییان بی زمین و کم زمین روستای «سرچاهان» از توابع بخش حاجی آباد دیندر عباس اقدام به مصادره حدود ۴۰۰ هکتار از زمینهای فربخش نوشدل روستای منبوریه کرده و با فرجاء و نمب، موتور پمپ به کشاورزی بر روی این زمینها پرداختند. اخیراً فربخش بسیار حمایت دادگاههای محلی در صدد بازپس گرفتن زمین مصادره‌ای برآمده و از طریق ارگانهای قضایی و سرکوبگر رژیم، دهقانان را تهدید کرده و تحت فشار قرار داده است. دهقانان زحمتکش روستای سرچاهان متحدانه مقابله با توطئه‌های بزرگ مالکان روستا و ارگانهای حامی آن برخاستند.

تحصن دهقانان به شهر در مقابل

دادگستری تهران

روزیست مبرما دهقانان از روستای...

«برکه» به شهر در اعتراض به بازگشت یکی از بزرگ مالکان منطقه به تهران آمده و در مقابل ساختمان دادگستری تهران تحصن کردند. آنها در مقابل دادگستری تهران به افشای رژیم حاجی کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان پرداختند. وضع اسفناک و چهره‌های سوخته و بدنهای تکیده این زحمتکشان را بر زمین را متاثر می‌ساخت و چهره‌ی پلید رژیم محبوس روستاییان را که مسئولان آن خود را «مستضعفان می‌خوانند» به نمایش می‌گذارد. این تحصن نمونه کوچکی از تظاهراتی است که در این روزها در سطح روستایی جمهوری اسلامی است. اجتماع کنندگان چنین می‌گفتند: «بعد از انقلاب زمین بزرگ مالکان فراری روستا را مصادره کرده‌اند و از زمین ۱۶۴ خانوار روستایی بطور مساوی تقسیم کردیم. از آن تاریخ یعنی سال ۱۳۵۸ تاکنون بطور نامشغول کشتیم. در سال ۱۳۵۹، در خردان که یکی از قشودانهای منطقه ما زندان می‌باشد، به دادگاه عمومی به شهر شکار تیت نمود. در آن زمان مسئولان سیرات نهاد شدند و مردم با بستن، از این جهت تا امروز حرفی نزنند و سراسر آنجا در در ایدیه‌هاست ما به ۶۴ رای دادگاه به شهر به این صورت ما در شد، حدود ۲۶ نفر از ۱۶۴ نفر کشاورز روستایی به سه ماه حبس و پرداختن چهار میلیون و دویست و نود هزار تومان ضروریان محکوم شدند. طبق قرارداد دادگاه به شهر، هر یک از روستاییان می‌بایست مبلغ ۲۶ هزار تومان به دادگاه پرداخت کند. اما ما در این روستا، هر یک از روستاییان ما را مجبور کردند تا با فروختن احشام خود هر کدام مبلغ ۷۵۰۰ تومان به دادگاه به شهر پرداخت کنیم. ما قبلاً بدهی آنرا با قرضه یا مکتوباتی تا رسیدن ۲۲ مبرما به پرداخت می‌کردیم. چند روز قبل برای شکایت از دادگستری به شهر به دادگستری تهران آمده ایم و از ثبت تاصح در کتابخانه‌ها بابتوتنه کرده ایم و بعلت نداشتن بودجه قادر به پرداخت کارها نیستیم. ما فرخانه نیستیم. در اینجا نیز هیچ کس به حرف ما گوش نمی‌کند و ما تهدید می‌کنند و می‌گویند این حرکات ضداقلابی است».

تحصن دهقانان سیمرم در مقابل مجلس

چندی پیش تعدادی از دهقانان سیمرم در اعتراض به بازگشت بزرگ مالکان به روستاهای منطقه، در مقابل مجلس حکومتی تحصن کرده و ولب به اعتراض نمودند. آنها نسبت به ارگانهای سرکوبگر رژیم و دادگاههای ضد مردمی که به حمایت همه جانبه از بزرگ مالکان منطقه پرداخته‌اند، اعتراض داشتند. مسئولین حکومتی و نمایندگان مجلس رژیم که فرسخ راجحین تهدید می‌کنند تا با وعده و وعید و تهدید و آزار عابدی آنها را متفرق سازند. اما دهقانان نیز بر سر نرفتند. تحصن دهقانان سیمرم، در مقابل مجلس، چهره رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی را به دیگران عیان ساخت و باعث بازگشته‌ای یافت. این امر باعث آن گردید تا روزنامه‌های حکومتی نیز در این باره قلمقرسای کنند. روزنامه جمهوری اسلامی ۲۵ شهریور ماه ۶۴ عنوان کرد: «عده‌ای از روستاییان و کشاورزان منطقه سیمرم، با اجتماع در مقابل درب ورودی مجلس خواستار رفع ظلم و مبرما روزه قاطع با خوانین و بازگشت مجدد آنها به روستاها و زمینهای کشاورزی شدند. روزنامه منبوریه همچنین به نقل از روستاییان اعلام نمود: «دادگاه سیمرم دستور بازداشت تعداد ۲۱ نفر از این افراد کشاورز که بعضاً

سالخورده و فرسوده بوده را، بدون اثبات جرم به مدت ۳ روز صادر نموده و مبادرت به تراشیدن موی سر آنها می‌کند».

درگیری خونین پاسداران با روستاییان

اداره کشاورزی نجف‌آباد، بدون اطلاع و موافقت روستاییان روستای عسکران و روستاهای همجوار آن در تیرماه امسال شروع به خاک برداری به منظور ایجاد کانال و انتقال آب به نجف‌آباد می‌کنند. روستاییان از ترس کشتن آب زمینهای زیر کشت شدیداً اعتراض می‌کنند و می‌گویند که کشتن آب زمینها را با بیگانه‌ها می‌کنند: «که با بیگانه‌ها کشتن کانال از روی نقش ما عبور کنید».

سراژند ساعت به درخواست ما موربینان اداره کشاورزی ما موربین سرکوبگر سپاه نجف‌آباد در می‌رسند. سرکوبگران رژیم به تهدید و ترس روستاییان پرداخته و گفتند: این طرح دولتی است و اخلاص در کار آن مقابله با دولت اسلامی است و روستاییان که دل پر خوشی از رژیم جمهوری اسلامی و ارگانهای سرکوبگر آن داشتند، به سخنان پاسداران اهلبیتی ندادند و همچنان به فریاد خود با فشاری کردند. در این موقع پاسداران بی‌شمانه شروع به تیراندازی هوایی و سپس کشتن آتش به روی روستاییان نمودند. در نتیجه ۳ تن از روستاییان بیدار شدند و بییش از سی نفر زخمی شدند. پاسداران جنایتکار رژیم تا ۲۴ ساعت آسمان را ندادند، مردم روستا جنازه‌ها را از روی زمین بردارند. آنان بخشی از جاده اصفهان، داران را به مدت هجده ساعت بسته، و از ترس اعتراض مسردم نمی‌گذاشتند کسی به محل جناایت آنها نزدیک شود.

نمونه‌هایی از ورشکستگی دهقانان

هر روز که می‌گذرد، تعداد بیشتری از دهقانان مجبور به ترک کار کشاورزی شده و به جرگه‌بیکاران و حاشیه‌نشینان شهرها می‌پیوندند. نمونه‌های زیر تنها گوشه‌هایی از این واقعیت دردناک را که محصول سیاستهای ضددهقانی رژیم است، منعکس می‌کنند:

در هر مکان امسال بدلیل بی توجهی مسئولین مربوطه آفت بخش قابل ملاحظه‌ای از محصولات کشاورزی و دامپروری برد. این امر باعث گردید که حتی عده‌ای از کشاورزان، مباحثه‌ای نیز زمینشان را به قیمت بسیار ناچیز به مالکان بفروشدند و دست از کار کشاورزی بکشند.

در روستاهای اطراف آذر شهر، بدلیل کمبود کود (اوره) و کمبود آب، امسال وضع محصولات بسیار ناخوشایند بود. دهقانان این منطقه که سال پیش نیز بدلیل عدم دراختیار داشتن وسایل انگاری مسئولان اداره کشاورزی وضع مشابهی داشتند ضمن اعتراض به سیاستهای ضددهقانی حکومتی دست از کار کشاورزی و از آنجا به کار بر روی زمینهایشان منصرف شدند. بعنوان مثال کشاورزی می‌گفت: امسال هشتاد و من زمین را به زیر کشت برده بودم، که پنجاه سز آذربایجان بودی زمین نبودن کود را کرده و با بقی هم نمی‌توانم حتی پول آب شتر را در آورم. دهقان دیگری می‌گفت: «محصول من به کلی نابود شد و شما می‌توانید آنرا رها کرده‌ام و اکنون بیگار هستم»

درباره تعقیب و مراقبت

" کسی که در هنر حرفه‌ای خویش، یعنی در مبارزه علیه پلیس سیاسی - ناشی و بی مهارت باشد - چنین گمبختی - ببخشد! انقلابی نیست بلکه خرده کار ناچیزی است (لنین - منتخب آثار صفحه ۱۲۱)

تجربه نشان می دهد که در چند سال اخیر یکی از مهم ترین شیوه های دشمن برای خراب زدن به سازمان های انقلابی، تعقیب و مراقبت بوده است. ساواک شاه با بهره گیری از تاکتیک تعقیب و مراقبت موفق شد در سال های ۵۵ و ۱۳۵۶ ضربات سنگینی به سازمان ما وارد آورد. سرکوبگرانی رژیم خمینی در وارد آوردن ضربه به سازمان مجاهدین از سال ۶۰ به این سو نیز در ضربه حزب توده ایران از این شیوه وسیع استفاده کردند. ساواک خمینی در مورد سازمان ما نیز بطور گسترده از تاکتیک تعقیب و مراقبت استفاده می کند. آشنا بی با شیوه تعقیب و مراقبت و فراگیری راه های مقابله با آن برای نیروهای سازمان بویژه در شرایط حساس کنونی که دشمن تمام امکانات خود را برای سرکوب سازمان بکار انداخته است، امری ضروری و وظیفه ای حتمی است.

تعقیب و مراقبت و مشخصات آن

دنبال کردن یک سوژه را تعقیب و تحت نظر گرفتن آن را مراقبت می گویند. سوژه ممکن است شخص، مکان و یا چیزی باشد. هدف دشمن از کار بستن تاکتیک تعقیب و مراقبت دست یافتن به عناصردیست و کشف ارتباطات، امکانات، شیوه های تماس، مراسلات و برخی خصوصیات اخلاقی و غیره است. پلیس بعد از دستگیری افراد را از اطلاعات بدست آمده از تعقیب و مراقبت برای بلوف زدن و یا مستند کردن "جرم" افراد شوکت رنج و روحیه آنها استفاده می کند. تعقیب توسط پلیس سیاسی دشمن ممکن است به صورت تصادفی و بدون برنامه قبلی و یا در چرخه ای یک برنامه معین و طرح ریزی شده باشد. دشمن در تعقیب طرح ریزی شده امکانات بیشتری را نسبت به تعقیب تصادفی دارد و بهیچ وجه این تعقیب و مراقبت را از آن سخت تر از تعقیب تصادفی است. مراقبت نیز به صورت طرح ریزی شده و یا بدون طرح قبلی صورت می گیرد.

گروه های تعقیب و مراقبت

- ۱ - تیم های تعقیب و مراقبت: این تیم ها در مورد تعقیب و مراقبت طرح ریزی شده بکار گرفته می شوند که روی سوژه انتخاب شده کار می کنند. این تیم ها ستون اصلی فعالیت دشمن در زمینه تعقیب و مراقبت را تشکیل می دهند. افرادی این تیم ها مخفی بوده و معمولاً از آموزش های لازم برخوردار هستند.
 - ۲ - گروه های سیار: وظیفه اصلی این گروه ها گشت زنی در سطح شهر است. از جانب مرکز عملیاتی به این گروه ها علائم عمومی افراد مبارز و مشخصات افراد خاص داده می شود تا در حین گشت زنی افراد مشکوک را پیدا کنند. برخی از این گروه ها برای شناسایی انقلابیون از نامدین استفاده می کنند. این گروه ها فرد مشکوک را دستگیر کرده و یا برای رسیدن به سرخ وی را تعقیب می کنند.
 - ۳ - گروه های ثابت: این گروه ها در یک مکان مشخصی مستقر هستند (ترمینال، فرودگاه، پارک، مقابله سینما، بازارها، ساوهای بزرگ، پستخانه ها و تلفن خانه های مرکزی و...) و همان وظایف گروه های سیار را بعهده دارند.
 - ۴ - گروه های پراکنده محلی: علاوه بر گروه های فوق، عده ای از بسیجی های محل یا موبتور، در چرخه و یا پیاپی در محل می گردند و افراد مشکوک را تعقیب و مراقبت می کنند.
- اعضای تیم های تعقیب و مراقبت عموماً دارای قیافه و هیكل معمولی هستند و معمولاً نشانه خاصی که جلب توجه کند، ندارند. ساواک خمینی می گوشتکشی را برای این کار برگزیند که فرزند پسر کوچک بوده و بتوانند به سرعت تصمیم گرفته و خود را با شرایط جدید تطبیق دهند. وضع ظاهری این افراد اغلب عادی است و شباهتی به حزب الهی ندارند. در برخی موارد در رتبه های تعقیب و مراقبت از نوجوانان ۱۴ تا ۱۵ ساله و یا ترکیبی خانوادگی در ماشین ها استفاده می کنند. پرورش افراد دورزیده و تشکیل تیم های مجرب و یا تجربه تعقیب و مراقبت دشوار است. به همین خاطر تیم های ورزیده در مورد سوژه های مهم بکار گرفته می شود. ساواک خمینی از عناصربسیجی و انجمن اسلامی به صورت کمکی و وسیع در تعقیب و مراقبت استفاده می کند.

وسایل مورد استفاده تیم های تعقیب و مراقبت

- ۱ - وسیله نقلیه: داشتن وسیله نقلیه برتر از وسیله نقلیه سوژه یکی از عوامل مهم موفقیت در تعقیب و مراقبت است. بهر حرکت تریسین و بهترین وسیله نقلیه دشمنان در شهرهای بزرگ موتورهای ۱۷۵ و ۲۵۰ است. به همین خاطر اغلب تیم های تعقیب پلیس از موتور استفاده می کنند و در اکثر موارد دوترک سوار می شوند تا نفردوم در مواقع لزوم از موتور سواری پیاده شده و تعقیب را به شکل پیاده ادامه دهد. بسیاری از تیم های تعقیب و مراقبت از تومبیل نیز استفاده می کنند. تیم های تعقیب از یک موتور دوترک، دو موتور دوترک، دو موتور و یک ماشین و در مواردی بسیجی مهم از فرادوسایل نقلیه بیشتر تشکیل می شود.
- ۲ - وسایل استتار (تغییر قیافه): اعضای تیم های تعقیب و مراقبت تغییر قیافه استفاده می کنند. عینک، کلاه، کلاه گیس و... برای استتار استفاده می کنند.
- ۳ - وسایل استتار عملیاتی: تیم های تعقیب و مراقبت در صورت لزوم از پوشش های طبیعی (ببولانس) ماشین با بی، برای اتمام حجت عملیاتی ساختمانی، دست فروشی و... استفاده می کنند.
- ۴ - وسایل عکس برداری و فیلم برداری: تیم های تعقیب و مراقبت در موارد لزوم از سوژه عکس برداری می کنند.
- ۵ - وسایل ارتباط گیری: اعضای این تیم ها علاوه بر علائم

قرار دادی برای ارتباط با همدیگر و با مرکز عملیات از دستگا های بیسیم استفاده می کنند. ۶ - وسایل استراق سمع و ردیاب: ممکن است در موارد پراهمیت در خانه یا ماشین سوژه، دستگا میکروفون نصب گردد، و یا اینکه ردیاب در ماشین کار گذاشته شود.

راه های ردگیری پلیس سیاسی

- ۱ - استتال ردا از طریق فردی که به دلایل گوناگون لورفته و تحت تعقیب باشد.
 - ۲ - سرزدن به امکانات و محل های لورفته و نیز انتقال ردا از طریق خویشاوندان و آشنایان به کارهای مخفی.
 - ۳ - بی مبالایی در مکالمات و مکاتبات با خارج از کشور و نیز ردگیری از طریق کنترل تلفن ها و آدرس ها.
 - ۴ - کنترل فروشگاه ها یا بی که لوازم مورد نیاز برای سازمان های انقلابی در آن فروخته می شود (کافه، مرکب، وسایل انتشاراتی و...)
 - ۵ - کنترل محل های تجمع یا رفت و آمد ها در آن سازمان های انقلابی (جاسات، بزرگداشت شهدا، کتابفروشی ها و...)
 - ۶ - مشکوک شدن گشتی های مخفی پلیس به حرکات یک فرد و یا شناسایی آن توسط نادمین.
- در تمام موارد فوق می توان با هوشیاری و دقت کاتالهای ردگیری را مسدود نمود بدون اینکه فعالیت سازمانی را محدود و یا از امکانات موجود صرف نظر کرد.

مراقبت

پلیس سیاسی برای مراقبت نیاز به مکان هایی جهت دیده بانسی (دیدگاه) سوژه دارد. تهیه دیدگاه های مناسب برای پلیس به سادگی امکان پذیر نیست. ولی تجربه نشان می دهد که دیدگاه مناسب در جمع آوری اطلاعات برای پلیس کمک زیادی می کند. پلیس در درجه اول احتیاج به مکانی دارد که ما در مراقبت در پوشش مناسب و یا بدون اینکه دیده شود قادر باشد سوژه را تحت نظر قرار دهد. پلیس برای این کار از خانه ها، همسایه ها، ماشین پارک شده نزدیک مکان سوژه، فروشگاه دوره گرس، کیبوسک مطبوعاتی، ایستگا اتوبوس، صف خرید و غیره استفاده می کند. پلیس برای استفاده طولانی معمولاً از خانه، کیبوسک، نمازخانه، بسترای مراقبت های محدود اصف اتوبوس، صف خرید، ماشین پارک شده و... استفاده می کند.

کشف دیدگاه مراقبت

برای کشف دیدگاه باید نقاط مناسبی را که پلیس برای مراقبت می تواند انتخاب کند تعیین کرد و سپس دیدگاه های ضدمراقبت برای این نقاط تهیه نمود. باید کلیه پنجره های خانه های روبه رویی مجاور را تحت نظر گرفت و به وضع کرکره ها و پرده های آنها توجه کرد، رفت و آمدهای غیر عادی به این خانه ها را زیر نظر گرفت، تمام همسایه ها را شناخت و از وضع زندگی آنها و کیفیت کارشان مطلع شد. برای کشف دیدگاه های با پوشش طبیعی، باید تغییرات محل را تحت نظر گرفته و به تغییرات جدید توجه کرد. مغازه جدیدی که بازمی شود، کیبوسک تازه ای که نصب می شود، افراد جدیدی که در مغازه ها، کیبوسک های محل شروع بکار می کنند، فروشنده دوره گردی که به تازگی در محل دیده می شود، افرادی که بیکاری که در محل رفت و آمد و وقت گذرانی می کنند، مستاجر جدیدی که وارد محل می شود و... باید مورد توجه قرار داد. عامل مهم در کشف دیدگاه، شناخت از ساکنین محل و داشتن رابطه با آنها و نیز زیر نظر گرفتن کلیه تغییرات و حرکات است که در محل صورت می گیرد.

روشهای تعقیب پیاپی توسط پلیس

- ۱ - روش خطی: در این روش ما مورین به دنبال سوژه حرکت می کنند. ما موراول سوژه را تعقیب می کند و ما مور دوم به فاصله کم از ما مور اول و مورین بعدی نیز به ترتیب همدیگر را تعقیب می کنند. معمولاً در این روش از ۳ ما مور استفاده می شود. ولی ممکن است تعداد ما مورین بیشتر از سه نفر باشد. زمانی که سوژه تغییر مسیر داده و یا می ایستد ترکیب تعقیب تغییر می کند. در بسیاری موارد ما مور اول مسیر خود را ادامه می دهد و ما مور دوم از او جدا می شود. به موازات آن ما مور اول حرکت می کند. در این روش وقتی سوژه سمت حرکت خود را تغییر می دهد، ترکیب ما مورین تغییر کرده و مجدداً تعقیب به همان روش یا با روشهای دیگر ادامه پیدا می کند.
- ۲ - روش پنجه ای: در این روش سوژه از دو طرف تحت نظر گرفته می شود. ما مور اول دنبال سوژه و ما مور دوم به فاصله معین به دنبال آن و ما مور سوم در طرف دیگر خیابان به موازات آن در مقابل ما مور اول حرکت می کند. در این روش وقتی سوژه سمت حرکت خود را تغییر می دهد، ترکیب ما مورین تغییر کرده و مجدداً تعقیب به همان روش یا با روشهای دیگر ادامه پیدا می کند.
- ۳ - روش موازی: این روش در خیابانهای موازی (مناطقی که به اصول شهرسازی بنا شده اند) و در خیابانهای خلوت و یا موقعی که سوژه حساس باشد، مورد استفاده قرار می گیرد. در این روش یک ما مور در خیابانهای موازی مسیر سوژه حرکت کرده و یک ما مور نیز پشت سر سوژه قرار می گیرد. ما مورین دیگر در نقاط های خیابان منتظر سوژه می شوند و او را تحت نظر قرار می دهند. زمانی که سوژه تغییر مسیری می دهد، ما مورین که به دنبال او حرکت می کرد، به مسیر خود ادامه می دهد و در خیابان موازی مسیر جدید سوژه قرار می گیرد و ما مور دوم موری که در خیابانهای موازی مسیر قبلی قرار داشت، پشت سر سوژه قرار می گیرد. در مواردی در این روش هیچ ما موری پشت سر سوژه قرار نمی گیرد. در این حالت اگر سوژه نا پدید شد، ما مورین متوجه محل این اتفاق شده و در همان نقطه به دنبال آن می گردند.
- ۴ - روش محل های ثابت: در این روش، ما مورین از قبل در محل های ثابتی در مسیر سوژه قرار می گیرند و سوژه را به یکدیگر پاس می دهند. این روش زمانی بکار گرفته می شود که ما مورین از قبل از محل ملاقات و مسیر حرکت سوژه مطلع باشند.

روش های تعقیب فرد پیاپی با استفاده از وسیله نقلیه

روش های تعقیب در این حالت همان روش های تعقیب پیاپی است.

دسته از فقا با ید بطور متناوب از گذرگاه های عبور کنند که کاملاً عادی بنظر می رسد. رفقا بویژه در هنگام اجرای قرارویا دیگر فاعلیتهای مخفی، برای با صلاح چک کردن خود از چند خیابان، کوچه عبور می کنند، این نوع چک کردن، شیوه کاملاً درستی است. زیرا نه تنها تعقیب کشف نمی شود، بلکه حرکت در مسیر پر پیچ و خم و غیر عادی، با مورین راهشیرتر می کند. رفقای که زندگی عادی دارند، باید بگویند شیوه اجرای قرارهای خود را بگونه ای عادی تنظیم کنند که در صورت تحت تعقیب قرار گرفتن دشمن به هیچ وجه نشود انحراف را از کار روزنگی عادی آنها تفکیک کند.

۲- منطقه مناسب و شناخت دقیق آن: برای کشف تعقیب و فرار از آن، باید از منطقه ای که حرکت در آن صورت می گیرد، شنا سایی کامل داشت و از امکانات آن مطلع بود. تابخوان را در عمل انعطافها و ابتکارهای لازم را بکار گرفت. رفقا باید دشمن را به مناطقی بکشانند که از قبیل نسبت به آن شنا سایی دقیق و کامل دارند. منطقه مورد نظر باید منطقه ای مناسب برای بی اثر کردن امکانات تعقیب کنندگان، به سر ریختن آرایش انسان و قرار دادن آنها در وضعیت های نامناسب بطور مکرر برخوردار باشد. ایمنی منطقه باید دارای راهها و نقاط مناسب برای فرار یا زنگم شدن، طبیعی باشد.

۳- وسیله نقلیه مناسب: داشتن وسیله نقلیه مناسب مناسب در کشف تعقیب و اجرای ضد تعقیب از اهمیت جدی برخوردار است. بدترین وسیله نقلیه در تهران و شهرهای بزرگ اتومبیل شخصی و بهترین وسیله تحرک ترین وسیله موشور است. به جهت تحرک کم اتومبیل شخصی و مهم بودن آن، کشف تعقیب و فرار توسط آن دشوار است. برای حرکات مهم به هیچ وجه نباید از اتومبیل استفاده شود. اگر رفیق بی بطور عادی از اتومبیل شخصی استفاده می کند، می بایست پس از چک کردن از اتومبیل پیاده شده و بخش عمده ای از مسیر را پیاده طی نموده و خود را با یک کندوسپن از اجرای قرار، ابتدا خود را چک کرده و سپس سوار اتومبیل شود.

روش های کشف تعقیب پیاده

هر رفیقی باید در نظر گرفتن امکانات شخصی و منطقه حرکت با ید ابتکار را ت خاصی را برای کشف تعقیب بکار گیرد. تاکتیک عمومی برای کشف تعقیب وجود ندارد. ما به چند تاکتیک بطور نمونه و آراشاره می کنیم:

۱- استفاده از امکانات گوناگون برای نگاه کردن بطور طبیعی به پشت سر:

- استفاده از اشیاء شفاف در مسیر حرکت برای دیدن پشت سر (شیشه های نمازها، آینه اتومبیل ها و...)

- توقف ناگهانی در مقابل تابلو علانات، روزنا مفروشی و غیره و کنترل پشت سر با دیدجا تنبی.

- متوقف نمودن یک عا بر برای پرسش ساده (ساعت چندانست، خواستن کبریت و...)

- برگشتن در جهت عکس حرکت خود به بیانه های مختلف. این برگشت برای تعقیب کننده ناگهانی است و سعی می کنند که خود را پنهان سازد.

- انداختن شیبی به زمین بطور طبیعی (سکه، دستمال و...) و نگاه کردن به عقب حین برداشتن آن.

- عبور از عرض خیابانهای کم عرض و نگاه کردن به پشت سر به بیانه ننه مراقبت از آمدن ماشین.

۲- استفاده از نمازهاهایی که از پشت شیشه شان بیرون دیده شود.

دارند از شیشه این نمازها خیابان دیده می شود. در این حالت برای تعقیب کنندگان دشوار است که بتوانند خود را پنهان کنند.

۳- پس از پیچیدن از خیابان به خیابان دیگر، (یا از کوچه ای به کوچه دیگر) می توان بلافاصله و در نماز شویا در صورت امکان بطور طبیعی در نقطه ای قرار گرفت که به آسانی دیده نشود. محمولا وقتی تعقیب کننده سرخیابان یا کوچه می رسد سوز را نمی بیند با نگاه حویبا دنبال سوز می گردد. بدینوسیله می توان تعقیب را کشف کرد.

۴- پس از پیچیدن از خیابان خلوت (یا کوچه) به خیابان (یا کوچه) دیگری می توان به بیانه ای مجدداً سر پیچ برگشته و داخل خیابان یا کوچه قبلی را نگاه کرد و از این طریق تعقیب کنندگان را دیده. این تاکتیک را می توان در خیابانهای خلوت و طویل و پر پیچ و خم با زوایای مختلف بکار گرفت.

۵- استفاده از مناطق باز و خلوت، باغها، بیابانها و ماکان عمومی با ز، در این مناطق بغلت و سست دید، امکان شناسایی ما مورین افزایش می یابد. اجرای شیوه های کلیاتیک تعقیب برای ما مورین در این مناطق مشکل است. و به همین علت مجبور می شوند در فاصله نزدیک با سوز حرکت کنند. به همین خاطر امکانات کشف در این شیوه زیاد است.

۶- استفاده از تاریکی و حرکت در غروب شب، در این شرایط ما مورین مجبور می شوند که برای کم نکردن سوز فاصله خود را با آن کم کنند. در این حالت ماکانات قابل توجهی برای کشف تعقیب وجود دارد.

۷- توقف طبیعی در یک محل تاریک (بخصوص پس از پیچیدن در یک خیابان) و تحت نظر گرفتن منطقه روشن.

۸- حرکت در یک خیابان تاریک یک طرفه و در جهت مخالف عبور و سایل نقلیه و نگاه کردن به عقب در نقطه عبور اتومبیل امکان دید ما مورین تعقیب در نقطه عبور اتومبیل کم می شود می توان از این موقعیت استفاده کرد.

۹- ورود ناگهانی از یک خیابان روشن به خیابان تاریک. ما مورین تعقیب از ترس کم کردن سوز مجبور است بر سرعت خود بیافزاید.

۱۰- وارد شدن به کافه رستوران یا بادیسی از رودیه رستوران و کافه در نقطه ای نارشدن به کافه رستوران به دیوار نزدیک پنجره باشد تا بتوان داخل خیابان را دید. محمولا ما مورین برای کنترل سوز وارد رستوران و کافه می شوند. می توان از نگاه کنترل کننده آنها را شناخت.

۱۱- زمانی که افراد زیادی از محل بیرون می آیند، می توان وارد جمعیت شد. ما مورین برای کم نکردن سوز مجبور شده است جمعیت بیابند و در میان جمعیت دنبال سوز بگردند. از این طریق می توان تعقیب را کشف کرد.

کشف تعقیب هنگام استفاده از اتومبیل شخصی

رفیقی که با اتومبیل حرکت می کند و قصد کشف تعقیب را دارد، باید مهارت کافی در رانندگی داشته باشد و بتواند از آینه جلو و آینه های بغل بدون اینکه سرش را حرکت دهد، بطور کامل استفاده کند و بتواند ایمنی دیدن نشانه های جزئی ماشین و یا موشور تعقیب کنندگان را از آینه دانشمند

این تفاوت که دشمن با استفاده از تحرک و سایل نقلیه می تواند به آسانی این روشها را تغییر دهد یا بهم تبدیل کرده و اشکال متنوعی را بوجود آورد. وسیله نقلیه مورد استفاده در این روش محمولا موشور و عمدتاً موشور دو ترک است.

۱- تعقیب در خیابانها و کوچه های خلوت: سوز در خیابانها و کوچه های خلوت به آسانی می تواند متوجه تعقیب شود. به همین خاطر یکی از ما مورین در سر کوچه یا خیابان بگونه ای که دیده نشود، قرار می گیرد و تا زمانی که سوز به خیابان یا کوچه دیگر پیچیده است، به دنبال آن راه نمی افتد. به مجرد اینکه سوز وارد خیابان یا کوچه دیگری شود، ما مورین سوز را استفاده از موشور و فرور او را به تقاطع رسانده و از موشور پیاده می شود و به همین شیوه و با استفاده از دیگر شیوه ها، تعقیب را ادامه می دهد.

۲- انتقال ما مورین تعقیب به جلوسوز: هنگامی که سوز وارد خیابانی می شود قبل از اینکه به تقاطع بعدی برسد، یکی از ما مورین با استفاده از موشور از خیابانهای اطراف به جلوی سوز منتقل می شود. از آنجا که ما مورین تعقیب جلوتر از سوز قرار دارد، مکان کمی وجود دارد که سوز به او مظنون شود. از این تاکتیک می توان در هر سه شیوه تعقیب استفاده کرد.

۳- استقبال: در صورتی که مسیر سوز به دلایل مختلف برای پلیس سیاسی معلوم باشد (حرکت همیشگی سوز، تعقیب های قبلی سوز و اطلاعات مشخص می تواند مسیر سوز را برای ما مورین مشخص کند) از ایمن روش استفاده می کنند. در این روش ما مورین از قبل در محل مستقر می شوند در این حالت ابتکار عمل در دست ما مورین تعقیب بوده و کشف آن بسیار مشکل است.

روش های تعقیب سواره

در تیم های تعقیب در تهران و شهرهای بزرگ موشور وسیله اصلی تعقیب است. تیم ها محمولا از یک موشور دو ترک، دو موشور دو ترک، دو موشور و یک ماشین و در مواردی اهمیت از سایل نقلیه بیشتر استفاده می کنند. سوزاندهی تیم ها بگونه ای است که به مجرد پیاده شدن سوز، تعقیب به یکی از روش های تعقیب پیاده ادامه پیدا می کند.

ما مورین در تعقیب اتومبیل محمولا با یک موشور دنبال آن حرکت می کنند. در حالتی که تعداد موشور بیش از یک عدد باشد، موشور دوم با فاصله به دنبال موشور اول حرکت می کند. در موارد ضروری موشور جای خود را با هم عوض می کنند. آنها بگونه ای حرکت می کنند که از آینه راننده دیده نشوند برای تا مین این هدف:

۱- در خیابانهای معمولی در فاصله ۲۰۰ - ۳۰۰ متری پشت سوز در پناه ماشینها می که بدنیاال اتومبیل سوز حرکت می کنند، موشور می گیرند. در این حالت راننده و ترک او از شیشه عقب اتومبیل ها بیسی که به دنبال اتومبیل سوز حرکت می کنند، ماشین سوز را تحت نظر می گیرند. در این حالت موشور اول دیده نمی شود.

۲- ما مورین در خیابانهای عریض در حاشیه سمت چپ اتومبیل سوز جهت خلاف حرکت ماشین ها می که از مقابل می آیند، قرار می گیرند.

۳- دولت راست اتومبیل در قسمت کور قرار می گیرند.

۴- ما مورین در پیاده رو عقب تر از اتومبیل سوز قرار می گیرند.

در تمام این موارد ما مورین از آینه راننده دیده نمی شوند. ما مورین تلاش می کنند حتی از شیشه عقب اتومبیل دیده نشوند. ما مورین اگر احساس کنند که سوز متوجه آنها شده است، به خیابان دیگر پیچیده و یا از گذرگاه عبور کرده و یا بین دو ماشین پارک شده، پنهان می شوند و با تظا هر به طبیعی بودن حرکت خود می کنند.

۲- در خیابانهای خلوت و فرعی: اگر سوز وارد خیابان خلوتی شد که بجز اتومبیل وی اتومبیل دیگری در آن حرکت نمی کند، ما مورین از موشور پیاده شده و از کنار دیوار اتومبیل سوز را تحت نظر می گیرند و تا زمانی که اتومبیل سوز نیچیده است، وارد خیابان نمی شوند. به مجرد اینکه اتومبیل سوز پیچید، ما مورین با سرعت خیلی زیاد خود را به تقاطع می سوز از آنجا پیچیده است، می رسانند و مجدداً همین شیوه را بکار می گیرند. پلیس در تعقیب سوز موشور و رینزا همین روشها استفاده می کند. در چنین حالتی ما مورین بدلیل تحرک موشور مجبورند با فاصله کمتری بسا سوز حرکت کنند.

در تعقیب با اتومبیل بطور معمول یک اتومبیل بدنیاال سوز حرکت می کند و اتومبیل دیگر با فاصله معین از اتومبیل اول قرار می گیرد. هر دو اتومبیل می کوشند خود را از ایلاتی اتومبیل های دیگر مخفی کرده و در لحظات مناسب جای خود را با یکدیگر تعویض کنند. ما مورین ممکن است تنها از یک اتومبیل و یا بیش از دو اتومبیل نیاز استفاده کنند. در مواردی که ما مورین مسیر سوز را حدس زده و یا از قبل مطلع باشند، ممکن است یکی از اتومبیل ها جلوتر از سوز قرار گرفته و از طریق آینه سوز را کنترل کند.

کشف تعقیب

هدف اصلی از کشف تعقیب خنثی کردن تلاشهای دشمن برای وارد آوردن ضربه به سازمان و خارج کردن افراد و امکانات از چنگ دشمن و خسار ج شدن از تور تعقیب و مراقبت است. در مراحل ابتدایی فاعلیتهای مخفی محمولا از یک برتری اساسی نسبت به ما مورین تعقیب برخوردارند و این است که آنها را تعیین شرایط برای قراردادن ما مورین در وضعیت نامناسب بسا است. با بهره گیری از این برتری می توان ما مورین را به محل های مختلف هدایت کرد و آنها را در شرایط نامناسب قرار داد. شنا سایی کرد و در موقعیت مناسب از چنگ آنها گریخت. در کشف تعقیب، حفظ خون سردی و کار بست روشهایی که ما غن کشف تعقیب توسط دشمن شود، از اهمیت بسیار برخوردار است. مهمترین عوامل در کشف تعقیب عبارتند از:

۱- داشتن نقشه و طرح تنظیم شده: بدون داشتن طرح برنا مه ریزی شده و تنها با عبور از مسیرهای و کنترل پشت سر، نمی توان تعقیب را کشف کرد. با توجه به امکانات وسیع دشمن، برتری فردی که تحت تعقیب قرار می گیرد، تنها زمانی مطرح می باشد که از قبل برنا مه حرکت خود را تنظیم کرده و گذرگاه های کاملاً مناسبی را انتخاب نماید. خوش باوری است کسی فکر کند با یکی دوبار پیچیدن به این یا آن خیابان می تواند تعقیب را کشف و یا از تور تعقیب و مراقبت فرار کند. اگر رفیقی زندگی عادی دارد باید بدقت کند که ما مورین متوجه اقدامات او برای چک کردن خود نباشند. زیرا خود را نیز از خیابانهای خلوتی که در آن قرار دارند، این او مطمئن ساخته و برنا مه های جدی تر می در مورد وی به اجرا گذارند. این

بدون دیده شدن اطراف را کنترل کرد.

مهمترین نکاتی که در جریان کشف تعقیب و فرار از آن با دید نظر گرفته شود

۱ - کشف تعقیب باید بطور کامل و طبیعی و عادی صورت گیرد. نباید در طول مسیر کنترلی بمنظور کشف تعقیب حرکاتی انجام شود که تعقیب کننده را متوجه شوند سوژه در فکر کشف آنهاست. باید با حرکاتی که ماسلا عادی و بیگناخت هوشیار تعقیب کننده را سلب و آنها را خام ساخت. هنرفرقا در خام کردن تعقیب کننده ن عامل بسیار جدی و مهمی در کشف طبیعی تعقیب است. کشف تعقیب با انجام حرکات غیر عادی آسان است مخفی کار واقعی و هوشیار رهجوی وقت برای کشف تعقیب خود را مجازا زبانه استفاده از حرکات غیر عادی نماید. مخفی کار حقیقی کسی است که بدون جلب نظر ما مورین و به شکل کامل طبیعی موفق به کشف تعقیب کننده ن شود. کشف تعقیب کننده ن باید به هیچوجه متوجه شوند سوژه آنها را کشف کرده است زیرا در این صورت از طریق ترکیب سریع اشکال مختلف تعقیب، و وارد کردن نیروی کمکی به منطقه و غیره حدا کثرت خود را بسرای جلوگیری از فرار سوژه بکار می گیرند. مجموعه اقدامات سوژه نباید این تصور را در ذهن ما مورین ایجاد کند که سوژه فردی آشنا به اصول ضد تعقیب است. در چنین صورتی آنها می توانند با تعقیب از دور و یا رهسار کردن موثقی وی، سوژه را خام کنند و وی را به این تصور وادارند که از تیر خارج شده است.

فرار از تعقیب نیز با یکدک مالا طبیعی جلوه گوید. فرار با دیدگونه ای صورت گیرد که حتی المقدور ما مورین تصور کنند بر اثر اشتباه خود سوژه را گم کرده اند.

۲ - هنگام تلاش برای کشف ما مورین با بدسی نمودیدکل، تیوب، ترکیب صورت، رنگ مو، کفش و جوراب و شلوار یا مشخصات ما شین و موتور پشت سوژه را دقیق بخاطر سپرد. (کت و کلاه و ساک دستی و غیره نباید به عنوان مشخصه های اصلی فرض شود. چون ما مورین به سهولت وسرعت آنها را تحویض می کنند) در صورت تکرار مشخصه های اصلی فرار و یا پس از تقلیه پشت سر در یک مسیر طولانی با بدسینا رین تعقیب گذاشت.

۳ - با بدسی شود در مسیر کشف تعقیب حرکات پیاپی با حرکات سواره و بنحومنا سبی ترکیب شود. بجز در صورتی که از موتور استفاده می شود. در بقیه موا ردا حتما با بد حرکت پیاپی با حرکات سواره (استفاده از وسایل نقلیه عمومی یا ماشین شخصی) ترکیب نمود و به هیچ وجه نباید صرفا پیاپی و یا فقط با استفاده از ماشین مسیر کشف تعقیب را طی نمود. در طول این مسیر حتما با بد چندین بار حرکت پیاپی با سواره را ترکیب نمود. این ترکیب با یکدک مالا از روی نقشه و بمنظور خنثی کردن امکانات موتور ی پیاپی با دشمن با قرار دادن آنها در وضعیتهای نامناسب صورت گیرد.

۴ - در تعقیب پیاپی سوژه و وقتی که کشف تعقیب صورت گیرد، ما مورین و ما شین تعقیب کننده ن در فاصله نسبتا دوری بدسینا ل سوژه حرکت می کنند ولی در مسیرهای شلوغ و یا هنگامی که سوژه وارد مفازه و غیره می گردد، برای گم نکردن سوژه و کشف تما سهای احتمالی او، به وی نزدیک می گردند. توجه به این نکات در کشف تعقیب امری کاملا مستر است. اگر در این نقاط خلوت رفقا در فاصله نزدیک پشت سر خود اشخاص و یا وسایل موتوری مشاهده نکنند، نباید خام شوند.

۵ - مدارک سازمانی که در اختیار رفیق است با بد در فرصت مناسب و بدون جلب توجه ما مورین تعقیب از دور شود. یا ازین برده شود.

۶ - با بد ترحیبی داد که رفقای ما در جریان کشف تعقیب قرار گیرند. رفیق تحت تعقیب نباید قرا را جدا کند و به وسیله ردا به دیگران منتقل سازد.

۷ - با بد تلاش شود که با توجه به شیوه تعقیب و مراقبت و آخرین حرکات رفیق معلوم شود که تعقیب از کجا شروع شده است. و با توجه به بررسی صورت گرفته رده سازمانی، میزان اطلاعات و تا شیر قرا رفیق بر دیگران روایط و اکتش پلیس نسبت به سایر رفقا، با بد تصمیم گرفت. که آیا می بایست از جنگ پلیس فرار کرد، و یا به حرکات عادی آدا م داد.

در صورتی که تصمیم گرفته شود که رفیق تحت تعقیب از جنگ پلیسی، نگریزد، می بایست کلیه ارتباطات سازمانی وی تا زمانی که تحت تعقیب است، قطع گردد و بعدا این ارتباطات با هشیاری و دقت کامل برقرار گردد. ۸ - در صورتی که دیداری حضوری با سایر رفقا ضروری باشد، می بایست با طرح نقشه دقیق و انتخاب مسیر مناسب از تور تعقیب خارج شده و با چک کردن دقیق قرا را جاز نمود.

فرار از تعقیب و مراقبت

در فرار از تعقیب و مراقبت با بدسرتی سوژه به تعقیب کننده ن یعنی داشتن ابتکار عمل را مورد توجه جدی قرار داد. با بد ما مورین را به محلهای کثرت که شنا سنا سبی دقیق از آن وجود دارد، و مسیر یا مسیرهای فرار را با بد از قبل تدارک دید. فرار از تعقیب با یکدک مالا طبیعی و عادی باشد. فراموش فراری است که تعقیب کننده ن تصور کنند، خودشان سوژه را گم کرده اند، آنها نباید تصور کنند که ما آگاهانه آنها را کشف و پس فرار کرده ایم.

تمهیدات لازم پس از فرار از تور

۱ - بعدا ز فرار از تور تعقیب و مراقبت می بایست بطرز جدی تمام امکاناتی را که ممکن است رده آنها رسیده باشد، کنار گذاشت. از این امکانات نباید استفاده مستقیم صورت گیرد. همواره این تمایل وجود دارد که برخی از این امکانات را با یک شده فرض نموده و مجددا موردا استفاده قرار داد. دلستکی به امکانات قطعا دوباره رفیق را در تور تعقیب و مراقبت می اندازد.

۲ - تمام رفقای که با رفیق تحت تعقیب در ارتباط مستقیم هستند می بایست با احتیاط حرکت کرده و خود را چک کنند. همواره این احتمال وجود دارد که رده آنها نیز رسیده باشد. برای محکم کاری رفقای دولقه بالاتر و دولقه پایینین فردی که تعقیب شده اند، با بد بر نامه چک و کنترل برای مدت چند هفته بطور متوالی اجرا کنند تا ردهای احتمالی مشخص گردند.

۳ - اگر عده ای از رفقا همزمان در تور تعقیب و مراقبت قرار گرفته و پس

با شد. از آنجا که دیدن موتورهای ما مورین از پینه دشوار است، لذا کشف تعقیب های برنا مه ریزی شده توسط اتومبیل خیلی مشکل است. باید برای گشادن ما مورین به گذرگاه های مناسب تدارک لازم را دید:

۱ - می توان در اوتوبان و یا خیابانهای خلوت و عریض با سرعت زیاد حرکت کرد و ما مورین را مجبور نمود که بدسینا ل سوژه حرکت کنند. اغلب موتورها در چنین مسیرهای کش اتومبیل را تدارک و تدریجی تا می نمانند و با مجبور شدن سوژه که با سرعت زیاد حرکت کنند، حرکت موتور با سرعت زیاد در چنین مسیرهایی غیر عادی است. اگر ما مورین در چنین مسیرهایی از اتومبیل استفاده کنند، با کنترل ما شین های عقب و ششیر سر است اتومبیل امکان کشف تعقیب وجود دارد.

۲ - حرکت در مسیرهای پیچ در پیچ و توقف در یک زاویه به سیرج به بهانه های مختلف (تعمیر لاستیک، خرابی اتومبیل، بالازدن کاپوت، خرید روزنامه و...)

۳ - حرکت در مسیرهایی که وسایل نقلیه در آنجا کم حرکت می کنند.

۴ - پیچیدن در یک خیابان فرعی و پیاپی شدن سیرج و زیر نظر گرفتن خیابان قبلی.

۵ - دورزدن سریع پس از یک پیچ و ورود مجدد به خیابان قبلی.

۶ - دورزدن در یک میدان و چک کردن مسیر قبلی.

در صورت استفاده از موتور می توان از کلیه تاکتیک های فوق استفاده کرد. در این حالت ما مورین به جهت تحرک موتور مجبورند از سوژه فاصله زیاد نگیرند. با موتور می توان از محل هایی گذشت که عبور اتومبیل از آنها غیر ممکن است. در این موارد ما مورین مجبور به استفاده از موتور و کنار گذاشتن دیگر شیوه ها هستند. و با لنتیجه امکانات کشف تعقیب افزایش خواهد یافت. استفاده از موتور در صورت مهارت در رانندگی بسیارترین امکانات را برای کشف تعقیب فراهم می آورد.

کشف تعقیب با استفاده از کویبل

در این روش از شخص دیگری برای کشف تعقیب استفاده می شود. مسئول حفاظت سوژه می بایست قبلا از مسیر و اطلاع داشته باشد و با توافق سوژه نقاط مناسبی را برای مراقبت در مسیر و در نظر گرفتن آنجا بتوانند سوژه و تعقیب کننده ن را زیر نظر قرار دهد. سوژه با یستی در موقع تعیین شده در نقطه مراقبت حاضر شود. مسئول مراقبت موظف است در اولین نقطه چهره و تیپ آنها بی را که بدسینا ل سوژه حرکت می کنند، به خاطر سپرد تا در نقاط بعدی شخصی دهد که آیا سوژه تحت تعقیب است یا نه. می توان بجای تعیین محل های ثابت، مسیر را طوری تعیین کرد که ما مورین مراقبت بتوانند بدسینا ل سوژه با فاصله دور مدتی حرکت کنند. در این حالت سوژه می توانند با حرکات مختلف ما مورین را وادار به عکس العمل نماید (خواندن اعلانات، سرزدن به مفازه و...) نکاتی که ما مورین با بدسینا ل آنها توجه کنند.

- قیافه ما مورین و وسایل نقلیه موردا استفاده آنها تکرار می شود.

- ما مورین می گویند مستقیما به سوژه نگاه نکنند و معمولا با دیدن دنباله آنرا تحت نظر می گیرند.

- ما مورین در مقابل حرکت سوژه (ولوعیف) از ما عکس العمل های معینی از خود نشان می دهند. (از قبیل ایستادن، سریع ترکردن گامها، دزدیدن سر، مخفی کردن موتور و ماشین در بین ماشینها و...)

رفیق کویبل بعدا چندین بار کنترل سوژه با بد علامت سلامتی یا خطر را در نقطه ای که قبلا مشخص شده بزند. سوژه تنها بعدا زما هده این علامت با بد برای اجرای قرار خود تصمیم بگیرد.

کویبل با بد حتما در نقاط و مسیرهای مناسب و وظیفه کنترلی خود را انجام دهد. و در اجرای این وظیفه نباید توجه تعقیب کننده ن را جلب کند و اقداماتی از قبیل تعقیب ما مورین، با بدقت بیش از حد در شنا سبسی قیافه و ماشین و موتور موردا استفاده آنها و... می توانند توجه ما مورین را جلب کنند.

مسیر کنترلی

ضروری است که هر رفیقی از قبیل مسیرهای معینی را به منظور کشف تعقیب مشخص کرده و قبل از اجرای قرار یا سرزدن به امکان از آن عبور کند. در انتخاب مسیر کنترلی با بدسینا ل زیر توجه نمود:

۱ - مسیر کنترلی باید با بد حرکت عادی رفیق هما هنگی داشته و غیره طبیعی نباشد. این مسیر باید در فاصله محل کار و محل سکونت و مسافت در فاصله محل کار و محل اقامت یا کار قرار دادا میل قرار داده باشد. یا اینکه در آن مسیر یک نوع مفازه مشخص در فاصله های دور از هم دیگر وجود داشته باشد تا رفیق با سرزدن به آنها در طی مسیر خود، و انمود کند که بدسینا ل خرید و تهیه وسیله ای ضروری است. تعقیب کننده ن با بدسینا ل تصور واداد شده سوژه سوژه فراری عادی را برای خرید وسیله ای مخفی یا سرزدن به محل کار و خانه آشنا هم فامیل و... طی می کنند. حرکت بی هدف حتی اگر مسیر کنترلی مناسب انتخاب شده باشد، امری کاملا خطا بوده و با بد از آن اجتناب شود.

۲ - در طول مسیری با بدست تعدادی زیادی محل مناسب (حدود ۲۰ نقطه) برای کشف تعقیب وجود داشته باشد.

۳ - مسیر کنترلی با بدقبلا بطور دقیق شنا سایی شود.

۴ - طول مسیر نباید کوتاه باشد با طی مسیرهای چند دقیقه ای نمی توان از کشف تعقیب مطمئن شد. حداقل زمان ممکن برای چک کردن در صورت داشتن موتور سه ربع، و برای ما شین و در حالت پیاپی ده حدود ساعت می باشد.

۵ - هر رفیقی با بدحداد قل ۳ - ۲ مسیر مناسب کنترل انتخاب کرده و هیچوقت بطور مرتب از یک مسیر استفاده نکنند.

کشف تعقیب از طریق دیدگاه مراقبت

در این روش می توان در محل مناسبی (خانه، محل کار و...) مستقر شد و از آنجا بدون دیده شدن اطراف را کنترل کرد. چنین محلهایی قبلا باید شنا سایی شده و دارای مشخصات زیر باشد:

۱ - در این محل نباید هیچگونه فضا لیت سازمانی صورت گیرد و ساکنین و یا کارکنان آن با بد فضا لیت با بدستی سازمانی نباشند.

۲ - امکان مستقر شدن برای مدتی وجود داشته باشد. علاوه رفت و آمد ما مورین و تردد در حدی نباشد که ما مورین بتوانند خود را در میان مردم مخفی کنند.

۳ - از داخل محل (پشت بام، پنجره، گوشه بالکن و...) بتوان

ارتشیان از جنگ بیزارند

در ارتش درد جنگ را بهتراز همه جامی توان حس کرد. ارتشیان در هیولای جنگ خمینی را با همه بیرحمی و ویرانگری و با تمام وجود لمس می کنند. آنها با خوب درک می کنند که این جنگ چگونه چون نیزه ای سمی بر تن خون آلود میهن ما فرونشسته و هر چه زمان پیش می رود، بیشتر آزار از رفق می آید. ارتشیان از جنگ خسته و بیزارند. اکثر آنها از سربازان ساده گرفته تا درجه داران و افسران جزء تنها به یک چیز فکری می کنند، تنها یک چیز را آرزو می کنند: صلح. صلح عزیزترین کلمه ای است که امروز میتوان از آن با هر ارتشی خسته از جنگ سخن گفت.

گزارشی که در زیر می خوانید تصویری است از وضعیت ارتش و ارتشیان زیر فشار سه سال جنگ.

در ارتش، شانس خدمت کردن پشت جبهه و دور بودن هر چند کوتاه از مناطق جنگی، شانس بسیار بزرگی است. اما این شانس، براحتی بدست نمی آید. در میان افسران ارشد آنها که به اندازه کافی پیر شده باشند، یا مجرد جنگی بجای آید و یا مورد اعتماد رژیم نباشند، به پشت جبهه و پادگانهای آموزشی منتقل میشوند. از میان افسران جزء نیز مجرد و حین جنگی، اعضاء خانواده شهدا و سیاسی-عقیدتی ها از چنین شانس برخوردارند. اما در میان درجه داران، بویژه درجه داران جزء و سربازان، تنها آنهاست که پارتی های خیلی سطح بالا دارند و یا مورد لطف دوا بر سیاسی - عقیدتی قرار می گیرند، میتوانند خود را از تنش جنگ دور نگاه دارند. اما اینهم موقتی است. خطرا عزام به جبهه و کشته شدن در این جنگ کشیف هر لحظه آنها را تهدید می کند. در پادگانها کسی حق ندارد برای لحظاتی هم کهنه یا گوشه دارن به ترانه ای بیا خوانند و سرود دسته جمعی درد جنگ را فراموش کنند. سیاسی-عقیدتی ها همه جا به جاسوسی و خبرچینی-سپاهی و پربونده سازی مشغولند. اکثر آنها از طرف سپاه و بسیج معرفی می شوند. وظیفه آنها مبارزه با ناراضیان و سرکوب هر حرکت و حرف صلح خواهانه است. وظیفه مبارزه با گروههای انقلابی-سیاسی در پادگانها نیز برعهده آنهاست. وجود سیاسی-عقیدتی، زندگی سربازان، درجه داران و افسران جزء را در مناظر پشت جبهه که بدون آنها بدکارگی خسته کننده و دلبره آور است، به جهشی تبدیل می کند.

در جبهه ها کمتر کسی را میتوان یافت که به این رژیم ارتجاعی و جنگ موافق باشد. هر سرگرمی از آرزویهای و بدلیلی با رژیم و جنگ مخالف است. افسران ارشد روحیه فیفیلی دارند. عموماً با سیاسی - عقیدتی ها درگیرند. هر کدام از آنها میخواهند لشکر را به کنترل خود در آورند. اکثریت افسران ارشد خواهان بازگشت به وضع گذشته اند. آنها در همین حال دوست ندارند که موقعیت شغلی و اجتماعی خود را از دست بدهند و بنا بر این سعی می کنند با ظاهر شدیداً اسلامی قوانین رژیم گذشته را در سطح لشکر و در همه ارتش پیاده کنند. بعد از فتح جزیره مجنون به فرمانده یکی از تیپهای لشکر ۲۱ حمله دستور داده شد که فوراً نیروهایش را برای پادگان به آنجا ببرد. این عمل بسیار خطرناکی بود. فرمانده فوق از این کار سرباز زده و گفته بود که نمی خواهد پرسنل خود را بپیوهد به کشتن دهد. مدتی بعد او را بازداشت کردند. اما فرمانده تیپ یک، داوطلبانه نیروی خود را به جزیره مجنون برد. بسیاری از افراد تیپ کشته شدند. او بعداً در عملیات بدر نیز در برابر نیروهای خرسود ایستاد و سعی میکرد مانع فرار آنها شود. از جانب ستاد فرماندهی قرار شد که وی به "پاس خدماتش" به لشکر ۷۷ مشهد منتقل شده و فرماندهی بسیار

معاونت آنها بعهده گیرد. در ارتش جمهوری اسلامی فرماندهان بزرگ به بهای خون سربازان و بدون هیچگونه اعتمادی به رژیم به دنبال ارتقاء هستند و رژیم این خوی ضد انسانی را در آنها تقویت می کند.

افسران جزء اکثراً مخالف جنگ و رژیم هستند. بین آنها نیروهای دموکرات و مترقی زیاد است. بسیاری از آنها بدلیل دفاع از حقوق خود و پرسنل پناهنده با فرماندهان و پادگانها سیاسی-عقیدتی درگیرند. سیاسی - عقیدتی ها و فرماندهان سربازان از دو طرف بر افسران جزء و توده کثیر سربازان و درجه داران فشار می آورند. از یک طرف جریسه عقب انداختن درجه، قطع حقوق و فوق العاده و تنقیح و لغو مرخصی، و از طرف دیگر مارک "حاسوس" و "ضدانقلاب" علیه ارتشیان ناراضی بکار گرفته می شود.

اکثریت قریب به اتفاق درجه داران از جنگ خسته و بیزارند. یکبار در یکی از واحدهای زرهی ابلاغ کردند که هر کس میخواهد بیاید استعفا بدهد. تقریباً ۸۰٪ درجه داران بلافاصله استعفا دادند. ولی پس از چندی برای همه آنها توبیخ نامه فرستاده شد. بسیاری از درجه داران حاضرند همه زندگی خود را بفرستند و از دست جنگ خلاصی یابند. اما رژیم دست از سر آنها بر نمی دارد. اکثریت آنها تا آخرین لحظه با زشتگی و حتی بعد از آرزوهای درجه داران با مراد و پیش آمده است که درجه داران از جمله در تیپ یک لشکر ۲۱ حمله جمع شده و بطور دسته جمعی پیش فرمانده رفته و مسایل و مشکلات خود را مطرح کرده اند. این اعتراضات علاوه بر اعتراضات فردی بی شماری است که با نوشتن نامه و شکایت و صورت گرفته می گیرد. اما موضوع اصلی آن است که اکثر آنها هنوز به آن درجه ارزش سیاسی و آگاهی نرسیده اند که عامل اصلی بدبختی آنها خود را تشخیص دهند.

پرسنل وظیفه، درجه داران و وظیفه و سربازان را شامل می شود. اکثریت قریب به اتفاق آنها مخالف رژیم هستند. زیرا معمولاً کسانی که به سرباز می روند و یا در کمیته ها استخدام می شوند، پرسنل وظیفه عموماً از جنگ ناراضی و متنفذ هستند. همه در انتظار باقی مانده اند، مرخصی گرفتن و پایان خدمت هستند، اکثریت قریب به اتفاق سربازان به زور و اجبار به جبهه ها می آیند. یکبار از کلاسهای سیاسی - عقیدتی از سربازان برای چه به خدمت آمده اند؟ تقریباً همه آنها جواب دادند که برای گرفتن کارت پایان خدمت آمده اند. این امر در مورد اکثریت قریب به اتفاق سربازان صادق است. روحیه بسیار ناخوشی است حتی بسیجیها و پاسداران بدون فرمان عقب نشینی می کنند. فساد و فحشیت، به ویژه فرار از عملیات بسیار گسترده است. وظیفه برای جلوگیری از موج غیرقابل کنترل فرار و غیبت سربازان و درجه داران، قوانین و تشبیهات سختی اعمال می کند. کسانیکه فرار کردند، مستحق مجازات میباشند. آنها را از حقوق آنها برکنار می کند. می شود، فرماندهان آنها را زندانی کرده و افاضه خدمت می زنند. استفاده از زور و مخدوم و مشروبات الکلی در جبهه ها رواج بسیار زیاد است. سربازان فرما ندهان را عالی تا سربازان ساده، بسیاری از ارتشیان خسته از جنگ که روحیه های خود را از دست داده اند و هیچ راهی برای پایان جنگ و نجات خود و بنظرشان نمی رسد، مواد مخدر و الکل روی می آورند. خواست بزرگ سربازان و درجه داران صلح است و از صلح خواهان هر کسی بر پادگانها مشتاقانند. می آید. این واژه چون به درجه داران می پیچد و از سنگری به سنگری می فرود می آید، هیچ نیرویی قادر نیست که از گسترش روز افزون این ایده در میان سربازان و ارتشیان جلوگیری کند. سربازان، درجه داران و افسران در میان پرسنل خواهران صلح اند و بزرگترین دشمن این خواست عمومی و مشترک در سطح ارتش سیاسی - عقیدتیها، فرماندهان و طرفداران خمینی هستند. اکثر آنها دوا بر سیاسی - عقیدتی بطور اخص مبارزه با گروههای مختلف سیاسی و بویژه حرکات

صلح خواهانه ارتشیان را استهلاعهای از اعمال مزدور و سرپرده رژیم در هر یک از سطوح لشکر ۲۱ حمله جمع شده و دسته سیاسی - عقیدتی را تشکیل می دهند و کارشان دخالت در همه موارد است. آنها از کمیته دستور نمی گیرند و خود مختار عمل می کنند. سربازان سیاسی-عقیدتی معمولاً بدون انضباط نظامی، بدون فرم، با موهای بلند و لباسهای نامنظم در محل استراحتگاهها هستند. در میخانه شرکت نمی کنند و از حقوق و پستهای برخوردارند. سربازان، درجه داران و افسران جزء از دست سیاسی - عقیدتی ها به تنگ آمده اند و آنها نسبتاً نفرت دارند. در سطح ارتش اینها مدافعان اصلی جنگ هستند و به همین دلیل هم ارتشیان میهن دوست پیش از همه از آنها نفرت دارند و زندانیان و زندانیان سیاسی - عقیدتیها در جبهه هم آزارهای بسیار سلب کرده اند. سربازان حتی آزارها را ندیده اند و سرود دسته جمعی هم ندانند و گوش کردن برادران و یارانشان را بدوید و ولتی، یا بنا بر غیره ۱۰ روز زندان دارند که بهای از هر روز زندانی ۱۰ لسی شروز اما خدمت می زنند. در سطح لای لشکر ۲۱ حمله جزیره مجنون وجود دارد که یکی از آنها می خواهد سیاسی-عقیدتی ها و رژیم را تقویت نماید و دیگری درصدد افزایش قدرت فرماندهان نظامی در مقابل دوا بر سیاسی - عقیدتی است. در گروهبانان و دوا بر سطح عملیات بزرگ خبر و پادگانها آخرین عملیات ارتش ایران بوده است. تنها باعث کشتار بزرگ سربازان شد. برای عملیات خیبر از دوا بر پیش تدارک کلاسه شده با توجه به تلفات و مخارج بسیار آ و در این عملیات فتح جزیره مجنون نه یک پیروزی، بلکه شکست بزرگی بود. هدف رژیم گرفتن بصره بود. در حمله اول حتی تا تویان ن بختا در بصره هم پیش رفتند. ارتش عراق نیروهای را که از طرف رفته بودند قتل عام کرد. بسیاری از سربازان و پاسداران در این بهای هورا الهویزه غرق شدند و بقیه فرار کردند. جمهوری اسلامی محبوس شده جزیره مجنون بنده کشته و محمول این پیروزی سرور و راه پادگانها زد. عراق یک ماه و جبهه و جبهه جزیره را کوبید و تلفات فوق العاده ای به نیروی نظامی ایران وارد آورد.

رژیم پس از استقرار در جزیره مجنون درصدد حمله دیگری بر آید. کمیته سیاسی، بطور شبانه روزی برای کشتن پادگانها و جزیره کار می کردند. هزینه آن سرما آ و بود. سپس رژیم شروع به کار نال کشی از منطقه "پادگان زبر" شروع کرد. این کار را لشکر ۱۳ ارتش و چندین لشکر بسیجی و سپاه بصدت کشته شده متارکت داده شدند. فرماندهان نظامی کلیه مرخصیها را لغو کردند و اما همه کشته شدند. اما درست ۳۰٪ است قبل از حمله عراق آنها با بدله و فرات را تویان نالها را زیر گردن نشه رژیم بهم خورد. جمهوری اسلامی بخریدند. از برای قاپی وها و رکرکت در صدد حمله از جزیره مجنون بر آمد (عملیات بدر) پیش از لشکر و چند تیپ مستقل در آن شرکت داشتند. ابتدا رژیم پیروزی کرد و تویان ن بصره و بخدا را هم گرفت. پاسدارها و بسیجیها شروع به موتور سواری در آن کردند و ولتی تویان ن عراق شروع به کوبیدن گردنیم ساعت بعد تا نگاه وها و پادگانها عراقی پیدا شدند. بسیاری از بسیجیها با بفرار گذاشته شدند. بعد از تشبیه بدون فرمان دست به فرار زدند. بنا بگفته عده ای، خودبسیاری وا کثرفرماندهان بلندبنا به هم آنجا بودند که بلافاصله بعد از شروع آتش، بوسیله هلی کوپتر متورای شدند. عقب نشینی ۲۳ ساعت ادامه داشت. تلفات و وحشتناک بود. تلفات زیاد به لشکرهای تارالله، محمدرضا، الله، نجف اشرف، نیروی ویژه شهید، لشکر ۲۸ عا شورا، تیپهای مستقل سپاه، لشکر ۱۳ حمله ۲۸ هستند. ۷۷ خراسان، قزوین وها زوار ن آمد. این عملیات در میان سربازان "فرار بزرگ نام گرفت". این فرار بقدری بزرگ بود که اکثر فرماندهان را عالی تر به از یکا آنها با زیدیکه وسیعی می کردند. سربازان مقبولانند که شما فرار رنگسوده بلکه عقب نشینی کرده اید. سربازان با خموش و متفرس به این دروغ با فیه گوش می دادند. آنها خودشان می دانستند چرا فرار کرده اند. آنها از جنگ خسته و متفرسند. هیچ انگیزه ای برای جنگیدن ندارند. نمی خواهند بطور رژیم ارتجاعی و مدافع سرما به داران کشته شوند. آنها صلح می خواهند.

کلیه افراد گروهها و علیرغم اطمینان از عدم تعقیب با بدبطور منظم در طول هفته و ماه چند حرکت برنا می ریزی شده برای کشف تعقیب های احتمالی انجام دهنده. گروه با بدیدر هر لحظه معین صدرمدان زمین آلودگی با عدم آلودگی افراد خود به ردهای تعقیب بتوانند اطلاعات مشخص داشته و متوجه روشنی آنرا به دهند. تنها با اجرای عملیات فذ تعقیب در ارتها طبات سازمان نمی توان اطمینان کافی از عدم آلودگی گروه به ردهای تعقیب بدست آورد. علاوه بر این لازم است که اعضاء و خصوصاً مسئولین گروهها در چارچوب حرکات تادی غیر سازمانی خود برنا به های معینی را برای کشف تعقیب های احتمالی طرح و اجرا کنند. بطور ما هانه حداقل یک تا چند بار این برنا به اجرا شود. مسئولین گروهها در اجرای این برنا به ها می توانن از کتول که یک شیوه بسیار موثر کشف تعقیب می باشد استفاده کنند. همچنین گروهی که احساس می کنند آلودگی جدی در آن وجود دارد، باید سعی کنند با استفاده از برنا به ریزی حرکات اضافی و استفاده جمعی از کتول میزان آلودگی و سربازان را بر سر و بطور ضربتی مشخص کرده و سپس اقدامات لازم را برای مقابله بعمل آورند. این اقدامات بخصوص در سطح رهبری گروه باید صورت گیرد.

برقراری سیستم کنترل اضافی

موارد مشکوک مشاهده نمایند، باید مسئولین گروه، فرار همزمان دسته جمعی و یا فرار تدریجی افراد در راه را مورد بررسی قرار داده و بر حسب اهمیت مسئولیت تک تک رفا، اطلاعات آنها و مکانات موجود و سوز و زاریان هر یک از دوشهر بررسی و یکی از آنها را انتخاب کنند.

۴ - سرخ ردها یا پیدرا ولین فرمت مورد بررسی مشکافانه قرار گرفته و روشن شود که آیا ردها زکا پیدا شده و حدود سرایت احتمالی آن تا چه حد است. بعد از مشخص شدن احتمالی آن، باید کلیه اقدامات ضروری برای قطع در بعمیل آید. درگیری می توان عملیاتی مختلفی از قبیل نفوذ عنصر پلیس، در زکردن اطلاعات از زندان، شناسایی تصادفی، استفاده از تلقین ها، آذرها و مکانات قبلا آلوده و... صورت گرفته باشد. بعد از جمع بندی علل، انحصار و تجربیات و اطلاعات بدست آمده، در جریان کشف و پاک کردن ردها و... باید نکات مفید را به اطلاع اعضاء گروه رسانده و آنها را به تجارب و اطلاعات جدید تجهیز کرد.

برقراری سیستم کنترل اضافی

بلوچستان از جمله مناطقی است که در آن چهره کریمه رژیم ولایت فقیه با تمام پلیدی اش به نمایش درآمده است.

بر اثر شرایطی که رژیم در این منطقه فقیرانه ایجاد کرده است، زحمتکشان بلوچ همچون سون برداران و خواهران زحمتکش غیر بلوچ خودتوسط کارفرمایان وحشیانه استثمار میشوند. کمترین دستمزدها حتی در بلوچستان به کارگران بلوچ پرداخت می شود. دهقانان بلوچ از مشکل کم آبی و عدم دسترسی به امکانات و ابزار اولیه کشاوری و تولید در رنجند و حکومت خمینی در این خصوص حتی طرح های نیمه کاره گذشته نظیر پروژه سد پیمیش را رها کرده است. رژیم با تشکیل کمیته صادرات استان که بدست مفتی سرمایه دار زانو مفتی اداره میشود، شرایط لازم را بسطری غارتگری بیشتر تجار بزرگ و مستکبران فراهم آورده تا اینها با خرید بسیار ارزان محصولات کشاورزی از دهقانان فقیر سیستان و بلوچستان، آنها را خانه خرابتر و تنگدست تر کنند.

در بلوچستان آشکارا سیاست ورشکست کردن مردم داران عشایر بلوچ دنبال میگردد که نخستین نتیجه آن هجوم روز افزون عشار ازهستی ساقط شده به شهرها و بیابان نشین های خلیج فارس است. صفوف بیگاران هر روز انبوه تر می گردد، بطوریکه هیچگاه در بلوچستان این اندازه بیگاری نبوده و در نتیجه میزان مهاجرت به کشورهای همچوار و شیخ نشین ها هرگز اینهمه وسعت نداشته است. هم اکنون بر اثر سیاست های رژیم، چند ده هزار نفر از بلوچ های فقیر دور از خانه و کاشانه خود در کشورهای عربی و پاکستان دنبال کار میگرددند. در یک کلام اکثریت مطلق اهالی بلوچستان فقرزده، قریباً بیاینها سیاست های ضد خلقی رژیم مترجم خمینی هستند. در حال حاضر تقریباً همه مقام ها و مسئولیت های حکومتی در استان در انحصار کماشکان غیر بومی رژیم است و در مقابل، اکثر روشنفکران متعهد بلوچ پیسادر زندانهای رژیم زیر شکنجه قرار دارند و یابسه اجبار ترک وطن گرفته اند. فرهنگ، سنن و معتقدات این خلق ستمدیده از جانب حکومتیان آشکارا به تخریب گرفته میشود. رژیم قسرنسطن و سطاوی ولایت فقیه حتی با باورهای مذهبی این مردم هم سرچنگ دارد بطوریکه در اکثر شهرهای اصلی بلوچستان شب "حوزه علمیه" را جهت ستیز با اعتقادات اهل تشن بوجود آورده است. از نظر رژیم کثیر هراتسکی که از حقوق ملی خلق بلوچ سخن بگوید و در راه مطالبه آن بکوشد، یا زندان است یا مرگ.

رژیم کلیه منابع سرشار منطقه را به انحصار کلان سرمایه داران غیربومی در آورده است. سرمایه های نظامی رژیم در بلوچستان سرسام آور است. و این بودجه عظیم که با بیست صفر عمران و آبادانی بلوچستان شود، در کوره ماجراجویی های خمینی خاکستر میشود. تمام هم و غم رژیم تکمیل اسکله و پایگاههای دریایی به ارزش رسیده از رژیم شاه و احداث بنادر نظامی جدید و کشیدن جاده های نظامی در نوار مرزی است. بلوچستان در ققط بسمان یک منطقه استراتژیک مهیسم در

سیاست های ماجراجویانه و جنگ طلبانه رژیم اهمیت می یابد. از نظر رژیم سیستان و بلوچستان همچنین با یکا همی علیه انقلاب مردمی افغانستان است. رژیم علیرغم خواسته و تمایلات مسردم این خطه، بلوچستان را به جولانگاه فداقلابون افغانی بدل کرده و به مرکز تحریک و تجسار و نظامی علیه افغانستان دموکراتیک تبدیل نموده است. در حال حاضر نزدیک به سیمدهزار نفر سراز افغانی های قریب خورده در راه دوکاهای مخصوص بسر می برند و رژیم مانع از بازگشت این قبیل آوارگان به وطن باثی شان است. دهها بائیسند

آنچه در بلوچستان ستمدیده میگردد

دمکش و جنایتکار ضد افغانی در بلوچستان اسکان داده شده اند که از پشتیبانی همه جانبه مالی و تسلیحاتی رژیم خمینی برخوردارند. سوغاتی این باند ها چیزی جز بخش وسیع مواد مخدر در همکار با مسئولین ارگانهای حکومتی، جز گسترش دزدی و جنایت و غیر از تشدید نا امنی، تصاعد قریبتها و افزایش بیگاری، هیچ چیز دیگری برای مردم سیستان و بلوچستان نبوده است.

رژیم جمهوری اسلامی که فاقد کمترین پایگاه در بلوچستان است، پشتوانه سیاست های ضد انقلابی و ارتجاعی خود در بلوچستان را که تنها صاف مغایر و منافی منافع، خواست ها و تمایلات خلق بلوچ است، سرکوب و اختناق و خردن کثیف ترین و منفورترین افراد محلی قرار داده است، از همین رویه دشمنان شناخته شده مردم بلوچستان روی آورده و با راهی از خوارترین مزدور، بولویهای خود فروخته و ساوکی را را برای سرکوب خلق بلوچ بدست گرفته است. رژیم، ارگانهای سرکوب بیشماری را سازمان داده و تشنه در زاهدان ۱۳ زندان بوجود آورده است. نیروهای نظامی و انتظامی و سببی را در منطقه مستقر نموده که اکثریت مطلق پرسنل آنها را افراد بلوچ تشکیل میدهند. اخیراً نیز ارگان سرکوب جدیدی متشکل از ده های بیگار فقر زده و ناآگاه بومی با عنوان " لشکر محمد رسول الله" ایجاد گردیده است.

بر زمینه این سیاست های ضد مردمی خمینی، سلطنت طلبان فضای رشد خود را به اصطلاح مساعد یافته و به فعالیت های ضد انقلابی شان شدت بخشیده اند. سلطنت طلبان با کمزور و سوبه سازمان وحدت بلوچ را با رهبری جدیدی متشکل از عده ای از دشمنان قسم خورده و سرشناس خلق بلوچ دنیا را حیا نموده و پول و سلاح فراوانی در اختیار آنکذا تشنه در کشورهای عربی نیز محالی ضمن حمایت مالی و تسلیحاتی از آن سازمان وحدت بلوچ از یک بانسد ساخته و پرداخته رژیم عراق بنام "سازمان آزادیبخش بلوچستان" و به رهبری سرسپرده معروف "جماران" پشتیبانی میکنند. این باندکه شمار تجزیه بلوچستان و استقرار جمهوری اسلامی

بلوچستان را پیش کشیده است، هم اکنون بخشی از افراد رادیکوهای "شیراز" پاکستان و نزدیک مرزهای ایران مستقر کرده و تحت نظارت مستشاران عراقی آنها را آموزش نظامی می دهد. اما مبارزات خلق بلوچ علیرغم این دسیسه ها در راه آماج های ملی و دموکراتیک در حال گسترش است. جنایات ۷ ساله رژیم در بلوچستان نتوانسته روی ستم و جنایت رژیم منقور شاه پرده ساقط بیا فکند. به سمن وجود نیروهای انقلابی و ملی فعال در این منطقه امیهمنان، سلطنت طلبان نتوانسته اند در مسیر اهداف ضد انقلابی خود خلق بلوچ را به کج راه بکشند.

اکنون آگای قومه های بلوچ در جهت پایداری بخشیدن به فلاکت اقتصادی و اجتماعی و ستم ملی مدام در حال ارتقاء است. آنها به تجربه مردمی یابند که برای نابودی ستم اجتماعی و ملی باید در اتحاد با دیگر خلقهای ساکن کشور علمیه رژیم ظلم و جور خمینی بیگار نکنند. مبارزه عادلانه خلق بلوچ برای خودمختاری بلوچستان در ایران مستقل و آزاد، ایرانیان فارغ از هرگونه ستم اجتماعی و نفاق و تفرق را ملی، رویه گسترش است و با گذشت هر روز دامنه و عمق فعالیت نیروهای انقلابی سرسری و محلی در بلوچستان و وسعت و زورقاری بیشتر به خود می گیرد.

فدائیان خلق در راه ارتقاء آگای خلق بلوچ به حقوق برحق خویش و سازمانگری مبارزه انقلابی و ملی در این منطقه با عزمی استوار می ززند، پشتیبانی سازمان ما از مبارزات نیروهای ترقیخواه، انقلابی و دموکرات بلوچ و استقبال از اتحاد رزمجویانه با آنان جز از انفکاک نا پذیر خط مشی اصولی ما برای رهائی ملی و اجتماعی خلقهای ایران میباشد. حف سوز "سازمان جنبش خلق بلوچ ایران" (بلوچ راج و زرمبشش) در صحنه مبارزه خلقی نشاندهای گسترش جنبش ملی دموکراتیک خلق بلوچ است. این سازمان که آماج اصلی خود را مبارزه در راه خودمختاری بلوچستان در ایران آزاد و دموکراتیک اعلام کرده است، در راه سازمانگیری بیگار ملی خلق بلوچ میکوشد و دستیابی به اتحاد رزمجویانها حزب و سازمانهای انقلابی و ترقیخواه ایران را از جمله اهداف خود اعلام کرده است.

ما با رد دیگر تاکیدی کنیم که اتحاد احزاب و سازمانهای ملی و دموکراتیک کشور تنها ما مسمن پیروزی قطعی خلقهای سرکوش بر رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی است. فراخوان و برنامه همه جبهه متحد خلق موب پلنوم مهرا ۶۳ کمیته مرکزی سازمان فداشیان خلق ایران (اکثریت) و بیانه مشترک کمیته مرکزی سازمان ما و کمیته مرکزی حزب توده ایران راه پیروزی جنبش انقلابی مردم ایران را ارائه کرده است.

بدون تردید دیر نیست آن روزی که همه نیروی اتحاد خلقهای میهنمان سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را پیروزمانده جشن گیریم و درفش رهاپی ملی و اجتماعی را در سراسر کشور به اهتزاز در آوریم.

ورشکستگی و مهاجرت دهقانان

آمار ارائه شده از سوی خبرنگاران اعزامی روزنامه اطلاعات به روستاهای اطراف پاکستان در مورد میزان مهاجرت روستاییان از ده روستا که در زیر ملاحظه می کنید، بطرز گویایی نشاندهنده در شرایط روستاهای فدهقانان و ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی روستاهای مبین ما به ویرانه مبدل شده و مهاجرت روستاییان به شهرها بطور بی بقای گسترش یافته است. (اطلاعات ۲۸ مهر ۶۴):

- در روستای علی آباد تنها چهار خانوار باقی مانده اند.
- در روستای درک ۸۵ درصد اهالی کوچ کرده اند.
- در آقچه دام تنها ۲ خانوار از ۱۵ خانوار باقی مانده اند.
- ۷۵ درصد اهالی روستای قره آغاچ به شهرها رفته اند.
- در روستای آبشار محمد تنها ۲ خانوار زندگی می کند.
- در چنار سفلی ۸۵ درصد اهالی مهاجرت کرده اند.
- در فارسیقلان بیش از پنجاه خانوار کس باقی نمانده است.
- ولی جانلو از چندین سال قبل خالی شده است. و خلق آباد نیز خالی از سکنه شده است.
- در روستای جاده برف از ۹۰ خانوار تنها ۲۰ خانوار باقی مانده اند.

امروز روستاهای روستایی بطور عمده شکل های حکومتی هستند که از بلایه روستاییان تحمیل شده اند. اعضاء شورا های روستایی غالباً بطور مستقیم توسط ارگانهای گوناگون حکومتی و بسا تا بیید مفا تا منبیتی محلی انتخاب می شوند. نقش مردم در این شوراها بسیار ناچیز است. و ارتباط چندان بین شورا و مردم روستا وجود ندارد "شوراها" غالباً به ابزار و عمل حکومت در روستاها مبدل شده اند. شوراها که نقش کهدا های سابق و گاه "خانه انصاف" زمان شاه را بازی می کنند. ماهیت اینگونه شوراها روز بروز برای تعداد بیشتری از روستاییان آشکار شده و آنها در جهت افشاء و مقابله با اینگونه شوراها به تشکیل مختلف مبارزه می کنند. اعتراض روستاییان برز - لجن به شورای تحمیلی دشمنان تنها نمونهای از این اعتراضات است. این امر حاکی از اینست که نیز هست که رژیم علیرغم تلاشهای ضد مردمی اش، تا کنون نتوانسته است شورا های حکومتی را به عنوان شورا های مردمی جایزند. دهقانان به اینگونه شوراها، بعنوان شورا های تحمیلی می نگردند و آنها را از خود بیگانه دانند. روستاییان مبین ما بتدریج درمی یابند که جمهوری اسلامی دشمن آنها و دشمن کلیه زحمتکشان مبین ما است. آنها بتدریج درمی یابند که چنانچه ارگانهای سرکوب رژیم حامی بزرگ مالکان در روستا، جدا از جنایاتی نیست که جمهوری اسلامی در سرتاسر ایران انجام می دهد. آنها بیش از پیش به ضرورت حمایت از شورا های انتخابی شان و نیز ایجاد اتحادیه های دهقانی پی برده و در جهت عملی ساختن آنها کام بر می دارند.

مقابله دهقانان با شوراهای فومایشی

ایستادگی دهقانان در برابر شورا های فومایشی و تحمیلی رژیم افزایش می یابد. این مساله تا آنجا پیش رفته که حتی روزنامه های حکومتی نیز مجبور به انعکاس آن می شوند و خود به افشای رژیم می پردازند. مثلاً چندی پیش اعتراض یکسانی از اهالی روستای بزرگجین واقع در اطراف تاکستان قزوین در روزنامه اطلاعات منعکس شده که می گویند: "... مسئولین محلی به کارهای ما رسیدگی نمی کنند. اصلاً این آقایان به حرفهای ما ارزشی قائل نیستند. ما اینجا شورای ده انتخاب کردیم و بعد از فرمانداری آمدند و همه آنها را برکنار کردند و خود چند نفر را به جای آنها گماردند. اگر قرار باشد فرمانداری اعلی شورای ده را انتخاب کند پس چه نیازی به انتخابات ما هست." (اطلاعات ۲۸ مهر ۶۴).

گسترش نارضایتی دهقانان مبین ما که از سیاستهای فدهقان رژیم به تنگ آمده اند، جمهوری اسلامی را به تگاپو انداخته است. رژیم حامی بزرگ مالکان از مبارزه متشکل دهقانان زحمتکش می ترسد و به عنوان مختلف به مقابله با شکل های در دهقانان می پردازد. رژیم می کوشد تا در روستاهای کثرت شورا های حکومتی را می توانست گسترش دهد و آنها را به ابزار خود برای کنترل و مقابله با مبارزات دهقانان مبدل سازد. به این جهت است که رژیم اکثر شورا های مردمی روستایی را منحل کرده، بسیاری از اعضای فعال و مبارزان اینگونه شوراها را روانه زندانها نموده و در مقابل به ایجاد شورا های فومایشی پرداخته است.

دهقانان مبارز! بزرگ مالکان را به روستاها راه ندهید!

آزادنگی و رزم رفیق شهید محمد امین شیرخانی

مسئول سازمان ایالتی کردستان

رفیق محمد امین شیرخانی که در برجسته سازمان و انقلابی قهرمان گردید بعد از سالها تحمل شکنجه‌های وحشیانه بدست دژخیمان رژیم فاسد مردمی و استبدادی جمهوری اسلامی در آخرین روزهای شهریورماه تیرباران شد.

رفیق محمد امین شیرخانی که در سازمان ما به رفیق "مینه" مشهور بود، در سال ۱۳۴۱ در یک خانواده زحمتکش روستایی از روستاهای اطراف بوکان به دنیا آمد. او دوران دبیرستان خود را در شهر بوکان به پایان رساند. این دوران مصداق باسالمی بر دره و رنج ۴۷ - ۴۶ بود که مبارزات مسلحانه را در این منطقه در پی داشت.

مبارزات شریف زاده، معینی و ملا آواره از رهبران جنبش خلق کرد علیه حکومت وابسته به آمریکا لایم شاه، تا شیر زیادی در پرورش روحیه انقلابی و آگاهی سیاسی رفیق مینه گذاشتند. رفیق مینه سال ۵۰ وارد دانشگاه کشاورزی ارومیه شد. سالهای ۵۱ - ۵۰ از یکسو مصادف با کسرتش فعالیت انقلابی سازمان ما، و از دیگر سو مصادف با کسرتش جنبش دانشجویی در ارومیه دستگیر دانگهای ایران بود. رفیق مینه که عشقی بی پایان به کارگران و زحمتکشان داشت و از ستم ملی و طبقاتی بر خلق کردنج می برد با تمام توانش در جنبش دانشجویی شرکت کرد و بزودی به یکی از رهبران جنبش دانشجویی در ارومیه تبدیل شد. رفیق مینه در سال ۵۲ به همراه چند تن از همزمانش توسط ساواک رژیم در ارومیه دستگیر و تحت بازجویی شدید قرار گرفت. اما جسد او ساواک نتوانستند از او اطلاعاتی بگیرند و به همین خاطر وی را به شکنجه گاه اوین فرستادند. جلالان اوین نیز با اینکه رفیق را ماهیهدار سلولهای انفرادی نگهداشتند و به آزار و اذیت پرداختند، نتوانستند کلمه ای از زبان او در مورد فعالیتهاش بشنوند. در نتیجه بعد از دو سال اسارت، از زندان آزاد شد. رفیق شیرخانی مجدداً در سال ۵۶ دستگیر گردید. اما با او جگیری قیام بوده‌های خلق و شکستن درهای زندان، و او نیز پیمان هزاران زندانی سیاسی دیگر آزاد گردید و بلافاصله مبارزه خود را در سنگر سازمان ادامه داد. رفیق شیرخانی در سازمان نه تنها عضو هیات وظایف مردم بوکان و دیگر شهرهای کردستان شمالی نقش برجسته‌ای داشت، او بخاطر صداقت و صمیمیت و بیگیرییش در دفاع از منافع ملی و طبقاتی خلق کرد محبوبیت زیادی کسب کرد.

رفیق مینه بعد از انقلاب نیز لحظه ای از مبارزه در راه رهایی طبقه کارگر و رنجبران کشور ما و در راه رفع ستم ملی بر خلق کرد و دیگر اقوام خلعهای ایران بازنایستاد. بعد از جنگ اول کردستان رفیق مینه به عنوان نماینده سازمان ما در هیات نمایندگی خلق کرد شرکت کرد و یکی از موثرترین چهره‌های

این هیئت بود. خلق کرد دفاع قهرمانانه ایسن فرزند خلق خود را هرگز فراموش نخواهد کرد. رفیق محمد امین شیرخانی از بنیان گذاران دفتر سازمان بود و از آغاز تأسیس این دفتر یکی از مسئولین آن بود. رفیق مینه از آن زمان در پست معاونت مشغول سازمان ایالتی کردستان انجام وظیفه کرد و تقریباً یکسال قبل از اسارت، مسئول سازمان ایالتی کردستان شد. این مسئولیت بسیار سنگین بدلیل شایستگی‌های بسیار زیاد رفیق برعهده او گذاشته شد و به نفع سازمان نیز از عهده انجام آن برآمد.

رفیق برجسته سازمانی در سال ۶۱ بدنبال یک مأموریت خطیر سازمانی توسط مزدوران رژیم در کردستان دستگیر شد. جلالان رژیم شیرخانی را مدتی در زندانهای ارومیه و تبریز نگهداشتند و سپس روانه شکنجه گاه اوین (بند ۳۰۰۰) کردند. از آنجا نیز برای مدتی به زندان گهر-دشت (رجائی) منتقل شد و سپس از زندان مجدداً به اسارتگاه اوین انتقال یافت. او به مثابه کمیونستی مومن و کردی انقلابی و جنگاور و مساج شدیدیترین انتقام جویی‌های جلالان قرار گرفت. در تمام این مدت، دژخیمان رژیم او را به زیر و خشیا ترین شکنجه‌ها کشیدند تا شاید بتوانند لبانش را بگشایند و اراده‌اش را درهم شکنند. اما او به سنت کبیر کمیونستها و به سن سازمانش

کسب شده آخرین روزهای شهریورماه رفیق رضا غیراخی رفیق محمد امین شیرخانی، رفیق ابراهیم لطف الله زاده (رفیق سعید)، رفیق جهانگیر بهتاجی و عده‌ای دیگر از رفقا را با هم اعدام کردند. حکام جناپنگار جمهوری اسلامی خباثینکنند که با بخون کشیدن فدائیان خلق، این رزمندگان پیگیر و جانشین راه رهاشی خلق و این سخونیسی سر فراز مقاومت و قهرمانی شکنجه‌گاهای خمینیس قادرند سرنوشت خلقهای بلاکشیده میهن ما را به بند کشند. اما ندای قهرمانی این فرزندان انقلابی خلق دیوارهای زندان‌ها را می شکند و هر قطره خون سرخ آنان پرچم هزاران رزمنده خلق در سراسر میهن ما خواهد گشت.

ایستادگی و شهادت قهرمانانه رفیق محمد امین شیرخانی، تجلی ایمان استوار و خللناپذیر این فرزندان خلق و دلیل سترگ حقانیت رزم انقلابی و پیروزمندانه بیان خلق است. زندگی و شخصیت پرافتخار او مشحون از زرم انقلابیست و در پیشاپیش مبارزات خلق کرد، عشق پرورش سبه خلق خود و تلاش و پویایی و مبارزه‌ای سختگیرناپذیر برای پیروزی کارگران و رنجبران و رهاشی خلقی است که کشیده ایران است. راه رفیق شیرخانی این سبیل عشق و امید و دلیری و رزمندگی خلق قهرمان کرد را انقلابیون میهن ما تا پیروزی نهایی خلقهای ایران و فردایی روشن و سعادت بخش ادامه میدهند.

دین شکفتن و در خون نشستن

با بپند ماند و چون هر زمان فدائی خودفدائی وار دژخیمان رژیم را تا کام گذاشت و کلمه‌های بر زبان جاری ساخت و اسرار سازمانی خود را که اسرار خلق است، حفظ کرد. بدین ترتیب قهرمان فرعون ما مثل هزاران هم آزمان و هم رزم خود در ایران و جهان دیگر بار نشان داد که کمیونستها چگونه با خصم رجوی روی می شوند، چگونه الماس ایمان سرخشان، تا نایافته‌های سیاه دشمن را از هم میگذرانند و چگونه با تحقیر رنج و مرگ ارتجاع را تحقیر میکنند و از درون سلولهای شکنجه به بلندترین جایگاه افتخار کردن میآیند.

رفیق مینه طی مدتی که در اسارتگاههای رژیم بود، لحظه‌ای از تلاش برای برقراری ارتباط با سازمانش باز نایستاد. او طی این ماههایی که به طرق مختلف برای سازمان ارسال داشت با تاکید گفت: "من همان مینه سابق هستم". بدینگونه به مختصر ترین شکل اعلام کرد: "مینه به کمیونسم، به سازمان، به راه سرخ فدائیان، به کارگران و رنجبران ایران و همه قضیت‌های سترگ انسانی و فدا دارم و تلاشهای دشمن بسیرای مخدوش کردن سیمای انقلابیون را به شکست کشانده‌ام. جلالان رژیم خمینی سرانجام رفیق محمد امین شیرخانی را اعدام کردند. برابر اطلاعات

جهانگیر، کمیونستی فروتن، سازمانگری توانا

رفیق جهانگیر بهتاجی سیا هکل محله، کماندر برجسته سازمان فدائی بیان خلق ایران (اکثریت) همراهِ بارفقای شهید، رفیق محمد رضا غبرایی عضو مشا و رهیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان، رفیق محمد امین شیرخانی مسئول کمیته ایالتی کردستان، رفیق ابراهیم لطف الله زاده کار در قهرمان و پیر سابق سازمان و عده دیگری از رفقای سازمان در آخرین روزهای شهریورماه اسامال اعدام شدند. رفیق بهتاجی (جهان) با اجرای قهرمانانه تعهدات عقیدتی، سیاسی و سازمانی خود، سرفراز در برابر دشمنان ایستاد و جان خود را سپرد تا منشا کرد و بسا عزمی استوار شهادت در راه میهن مردم را بپذیرا گشت.

رفیق جهانگیر بهتاجی سیا هکل محله، سال ۱۳۲۹ در سیا هکل متولد شد. دوران تحصیل در استان و دبیرستان را در تهران گذراند و در سال ۱۳۴۷ وارد دانشگاه شیراز (در رشته کشاورزی) شد، خیلای زود از چهره‌های سرشناس مبارزات صنعتی و سیاسی بقیه در صفحه ۱۳

پیراهن سرخ تو...

نمی دانند یک هفته، یک ماه یا بیشتر است که روی این تخت افتاده! بلکه پیش چنان سنگین است و آساست که در دوپهلوان با یاد آنها راهم جدا کنند. دست پرده را در یک گنج سنگینی بسته‌اند. چشمهایش که به نور عادت می‌کند، موقعیتش را تشخیص می‌دهد. "هان رفیق! این بار هم خوب آمدی، انگار نا میشده آنکه در کربرایشان طعمه‌ای باشی. مثل اولین بار که دما و ندر آفتح کردند و داشتند پایین می آمدند، مثل لحظه‌ای که از آن برضه بوران وان بوی گوگرد به آفتاب و درخت رسیده بودند، مثل لحظه‌ای که روی "شن اسکی" سبکبال بلند می‌شد، می‌جست و پاپایین می آمد و مثل لحظه‌ای که در رودخانه دست و رویشان را می شستند، احساس رفقاییت و سرخوشی می‌کرد، خنده بیورنگی روی لبهای قاچ قاچش نشسته است. مثل کودکی که از ما در متولد شده، معصوم و پاک، آسوده و بیخیال به خواب می رود.

نور مهتاب که بر لبها سپاش می‌باشد، انگار سراپا سفید پوشیده است. تا بلوهای زندگیش به سرعت آید و می‌گذرد، انگار در این دمه‌های آخرین داده‌ها چیزها جمع می‌زند. خوب! از لحظه‌ای که پای در راه گذاشته‌ای یک دم نایستاده‌ای، یک دم دنیا سوخته‌ای. جلالیگر پیش از ما زنده سال می‌شود. به یک تعبیر ما روی سعادت را ندیده‌ایم، ما ژرف تر که بنگری از میسای خوبت ترسکی را سراغ نخواهی گرفت، غفلا و معنویاتی را که در این زندگی نهفته است سرخوش که از لحظه لحظه پیروزی‌ها، نه فقط در اینجا، که در سراسر گیتی به چنگ می آوری، کشف چشمه‌های پایان تا نابیر ادر پایان میسر می‌سازد. رضی داردمی رود، ولی خانواده ۸ میلیونی‌اش راه او را ادامه می‌دهند، ما برای زندگی بخشیدن تلاش می‌کنیم و اینان بری می‌نرانند. سرفراشتگی و کردنی فرازی، اش با خفت و زبونتی نگهبانها، خا بلوای مدین را ساخته است. ما برای زندگی بخشیدن تلاش می‌کنیم و اینان برای میرانند. نگاهش اوین را پشت سرمی گذارد، دارد تمام شهر را می‌گرد. این دمه‌های صبح، بچه‌ها دارند چکا می‌کنند، یک دسته تا به حال دارند اعلامیه و روزنامه را چاپ می‌کنند. دسته دیگرشان بسته‌های اعلامیه و تراکت را می‌بندند تا برای کارگزارانی که بزرگاری رونند، ببرند. بعضی‌ها نشسته‌اند نمی‌نویسند که در این ماه چه کرده‌اند چه دیده‌اند چه گفته‌اند. دستمسه بیشتر آرام خوابیده‌اند تا خورشید که می‌دمد، دوباره کار را آغاز کنند، برخی هم بی‌تک و شیشه زیر شلاق ایستاده‌اند و سخن نمی‌گویند... ما رفتیم رفقا! بهترین آرزوها و امیدها یمان بدرقه کارتان و راهتان باد.

عش حریمانه‌ای می بلعد، دارد با همه همسرانش خدا حافظی می‌کند. چهره خندانیش به دیگران دل می‌دهد. حضورش در اینجا هم ما یه اطمینان و اعتماد است، حالایه معشان کرده‌اند. صدای غرش رنگبار رگلوله‌ها، قریب‌دشان از خیه‌ها عبوری کند و ما شهرامی پوئانند. موجی از خون به صورتش می‌پاشد. سکوت. خاک از زمین بلند شده. در همه‌خانه‌های شهریچه‌های شیرخوار از خواب برخاسته‌اند و گریه می‌کنند. ما در نشان هم‌راهان بیدار شده‌اند، بچه‌ها آرام نمی‌گیرند. چندان با بیغی گریه می‌کنند که انگار رگلوله‌ها به قلب سب کوپکشان فرورفته است. با زهم غرش رنگبار رگلوله‌ها، سکوت و سپس شلیک تک به تک گلوله‌هاست که می‌آید. این بیرون کبست که دستهای جروکیده‌اش را بر سینه گرفته و شان‌های استخوانی‌اش از حق گریه، تکا می‌خورد. مرگ خدیجونه به برق امت عزیز، نا خیمه زده است، صداها دارد تپه را از هم می‌شکافند، صداها دیگر نمی‌توانند مثل جدهای سوراخ سوراخان در خاک بیفتان کنند. گورهای بی‌نام و نشان در گداه‌اند تا مردم بزرگواران تا خویشتن تمظیم برند.

آرام باش رفیق! پیراهن سرخ تو را برمی افرازم. آنها هر روز تو را می‌کشند. آنها هر روز خون تو را پاک می‌شویند. آنها ما نمی‌دانند، پیراهن سرخ تو تن به تن در میان ما خواهد گشت.

کاروان اسپران را دارند به میهمانی خسون می‌برند. رضی جلوه‌ها رصفی را در می‌آید، مثل سپاوش از آتش به سلامت جسته سرخوش و پیرومند است.

چهلمین سالگرد قیام مردمی ۲۱ آذر

چهل سال از قیام ۲۱ آذر ۱۳۲۴ مردم آذربایجان می گذرد. در تاریخ کشور ما این روز پیراسته و روزی جنبش مردم زحمتکش آذربایجان علیه حکومت مستکبر شاه و امپریالیسم شیت است. در ۲۱ آذر ۱۳۲۴ به خواست مردم آذربایجان و با تصویب نمایندگان مجلس ملی آذربایجان، حکومت ملی و مردمی در این خطه از کشور برپا گردید.

در پی سقوط رضاخان و مسافرت او به تبعیت نیروهای مترقی و مردمی و رشد جنبشهای توده ای، در آذربایجان نیز مردم برای تأمین حقوق برحق خویش بپا خاسته و مبارزه پیگیرانه ای را جهت دستیابی به خواسته های خود دنبال نمودند.

رشد و اعتلا جنبش دموکراتیک در کشور، هیأت حاکمه را به شدت نگران و وحشت زده نمود. از واسطه کمال ۱۳۲۴ در تاجع هجوم و حشیا نه خود علیه نهضت کاریگری دموکراتیک را شدت داد. در آن زمان روزنامه «آذربایجان» نوشت: «بسر آنند که در آذربایجان یک دولت نیرومند را تاجایی بوجود آورند و مردم آنرا بدست سبیا ستعداران لندن بسپارند... مردم آذربایجان نمی توانند این ماجراها با خون سردی بنگرند»

در چنین شرایطی بود که فرقه دموکرات آذربایجان در ۱۲ شهریور ۱۳۲۴ تأسیس گردید و بلافاصله اعلام نمود که خلق آذربایجان تصمیم است: «در داخل ایران و بشرط حفظ تمامیت ارضی ایران، اداره امور داخلی خود را بدست خود گیرند» و خواستار تشکیل انجمن های ایالتی و ولایتی که در قیام اساسی و مشروطیت پیش بینی شده بود، گردید. حکومت وقت به این درخواست مردم آذربایجان جواب منفی داد. از این رو مردم آذربایجان را اقدام به تشکیل کنگره ملی و سپس مجلس ملی نمودند. در روز ۲۱ آذر سال ۱۳۲۴ مجلس ملی تشکیل گردید و مسئولیت

تشکیل حکومت ملی را به سید جعفر پیشه وری از پیشگانان نسل نخست جنبش کمونیستی ایران سپرد.

حکومت ملی آذربایجان که برپا به پیشتیبانی اقشار خلق ایجاد گردید، برای تحقق شعارها و اهداف جنبش آغا زبکا ر نمود. در ابتدا قانون اساسی و قانون اساسی را وضع کرد. اماک را به باستان و فوئدهای بزرگ و وابسته و خاش به خلق را تصویب نمود و این املاک را اختیار رد هقان فقیر قسرا گرفت. با تک فلاحیت، تا سپس شرکت «ماشینه های آبیاری و کشاورزی» تشکیل گردید. کارخانه های راه انداخته شد و واحدهای جدید تولیدی افتتاح گردید. قانون کار مترقی تدوین و تصویب شد و کارگران بطور فعال در پی برپا رکها شرکت کردند. برای اولین بار در آذربایجان دانشگاه (دانشگاه دولتی آذربایجان) تأسیس شد. زبان آذربایجان علمی همرا به زبان فارسی بجای زبان رسمی اعلام گردید. مدارس گسترش یافت و ۲۲۵ دبستان و ۸۴ دبیرستان جدید دایر گردید. کلاسهای مبارزه با بی سوادی در سطح گسترده ای راه افتاد. ایستگاه رادیویی تبریز ایجاد شد. برای شکوفایی فرهنگ و هنر آذربایجان «تأسیسات آذربایجان» و «اداره هنرهای زیبا» و «گستردهای راه افتاد. ایستگاه رادیویی تبریز تأسیس گردید. «تأسیسات آذربایجان» و «جمعیت» تأسیس گردید. «تأسیسات آذربایجان» و «جمعیت» تأسیس گردید. «تأسیسات آذربایجان» و «جمعیت» تأسیس گردید.

با وجود مشکلات و توطئه های که رجا ضابط امپریالیسم ارتجاع داخلی تدارک می شد، حکومت ملی آذربایجان توانست در مدت یک سال آنچنان اقداماتی انجام

دهد که حتی به اعتراف نویسندگان غربی در تمام دوره بیست ساله حکومت رضاخان صورت نگرفته بود. با انجام این اقدامات مردم هر چه بیشتر به طرف حکومت ملی روی می آوردند و با شور و شوق بسیار آنها را می گرداند. وجود «دستجات فدایی» و شرکت گسترده مردم در این دستجات شومنه با روحیاست مردم از حکومت ملی بود.

در نتیجه پیروزی جنبش ۲۱ آذر ابتدا دولت مرکزی دست به عقب نشینی زد و با مذاکرات موافقت نمود. سپس از مسأله مذاکرات طولانی بالاخره در ۲۳ خرداد ۱۳۲۵ بین دولت مرکزی و حکومت ملی آذربایجان موافقتنامه رسمی امضاء گردید. اما دیری نپایید که ارتجاع حاکم بر کشور همه مصادات خود را زیر پا گذاشت. ارتجاع و عوام امپریالیسم تمام امکانات تبلیغی خود را در جهت شمت، افترا و سازگویی به مبارزان نهضت بکار گرفتند و مبارزان را برافتاد مردم زحمتکش آذربایجان علیه ستم ملی و اجتماعی را مسور د کینه توزانه ترین حملات قرار دادند.

در ۲۱ آذر ۱۳۲۵، حملات وحشیانه ارتجاع با تصرف تبریز به نتیجه رسید. حکومت خود کما شاه به سرپراری انتقام جویی از مردم آذربایجان به سرچاپا بی کسه می توانست دست زد. نیروهای مسلح سرکوبگری کسه بنام نظارت بر انتخابات به آذربایجان گسیل شدند جنبش خلق را سرکوب و دشمنها و روستا ها را آذربایجان حاکم خون خارا نهادند. هزاران تن را کشته و عدا نمودند. وزندها را از انقلابیون انضا شد.

از جنبشهای رهایی بخش خلقهای ایران پدیدار شد، ذخایر تجربیات انقلابی خلقهای ایران را غنی تر ساخت. دستاوردهای قیام ملی آذربایجان جزئی از میراث گرانبهای مبارزات مردم مادرتاریخ معاصر است.

گوشه ای از زندگی زحمتکش روستا

فقر، ربکاری، کمبود محتاج عمومی، شیوع انواع بیماریها، نبود بهداشت و درمان، کمبود آب آشامیدنی، مدرسه، حمام و غیره، سیمای روستاهای میهن ما رابه سیمای فقر ورنج مبدل ساخته است.

امروز دیگر وضع زحمتکش روستا، به حسدی فلکتابار شده است که مطبوعات حکومتی نیز مجبور به انعکاس گوشه هایی از آن هستند. از جمله روزنامه حکومتی اطلاعات سلسله گزارشهایی از وضعیت روستاها و روستاییان حومه تا کستان قزوین درج کرده است که علیرغم اینکه هفت بار بکشید شد، ولی باز افشاکننده سیاستهای ضد خلقی رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی است:

یکی از اهالی روستای شست سفلی گفت: «تاقا حتی از زن و بچه خودمان بجالت می کشیم. آخر تاکی آنها رابه امیدفدای بهتر میدویم؟ ما رژیم آخر زندگی با درد تاکی؟ (اطلاعات ۲۵ مهر ماه ۶۴).

یکی دیگر از اهالی روستای شست سفلی گفت: «روستای ما طی ۲ یا ۳ سال اخیر از ۲۵ خانوار تنها ۱۵۰ تا باقی مانده اند و بقیه از خیرکشت و زری گذشته اند و روستای شهرها شده اند. (اطلاعات ۲۸ مهر ۶۴).

دانش آموز روستای اهل روستای کوشک گفت: «ما هیچ چیز نداریم، ما حتی غذای درست و حسابی نمی خوریم. (اطلاعات ۲۵ مهر ۶۴)

یکی از زنان روستای کوشک گفت: «وضع بهداشت این منطقه بسیار بد است. تب مالت وجود دارد و اکثر اهالی به خاطر همین بدمای ۵ ماه از سال را نمی توانند بکار کنند، ولی مسئولین در ما نمی کشور تاکنون هیچگونه اقدامی در این زمینه بعمل نیاورده اند. (اطلاعات ۲۵ مهر ۶۴)

یکی دیگر از اهالی روستای کوشک گفت: «تا حال چندین بیماری به علت خرابی جاده در بین راه فوت کرده اند. ما تنها وسیله ای که برای انتقال بیماران به شهرها داریم، تراکتور است. (اطلاعات ۲۵ مهر ماه ۶۴)

یکی از اهالی روستای برزنجین گفت: «ما تا حال چندین بار برای اجرای طرحهای عمرانسی با خودیاری اهالی به مسئولین سراجه کرده ایم. ولی آنها اصلاً گوشه ای بدهکار این حرفها نیستند. هر وقت ما اعتراض می کنیم، که چرا اینقدر بی تفاوت هستید، به ما می گویند که شما فعلاً انقلاب هستید. (اطلاعات ۲۸ مهر ۶۴)

۱۹ رهنمود به اعضای و هواداران به مناسبت ۱۹ بهمن

- ۱- شور و روستاها را با ناموشماهای سازمان تشرین کنیم.
- ۲- به خدایاری خودبختی از بیم تاج و رختون زندگیمیز مبارزه بکنیم. (اطلاعات ۱۹ بهمن)
- ۳- کارخانه دوماست، این دژ را تسخیر کنیم.
- ۴- از کارگران مبارزان خارجی حمایت کنیم.
- ۵- بکوشیم برای کارگران و مزدخواران بیشری بیایم.
- ۶- ما رگسیریم به جوانان بنحنا ما نیم جوانان را به سوزی سازمان فراخوانیم.
- ۷- از خانواده هیدان و زندانیان سیاسی حمایت کنیم.
- ۸- راه به ما دوستان ترغیب و خود را در شوشه راه مستقیم ما ریم.
- ۹- ارتباط با رفقا و فعالان و مستحکم کنیم.

۱۹ رهنمود به اعضای و هواداران به مناسبت ۱۹ بهمن

- ۱۰- همه ابتکار را برای جلب هر چه بیشتر پشتیبانی مالی از سازمان بکار ببندیم.
- ۱۱- کلینر را همیشه بخوابیم.
- ۱۲- تاریخ حزب کمونیستی اتحاد شوروی و جنبش جهانی کمونیستی را هر چه بیشتر فراگیریم.
- ۱۳- در راه وحدت بینا هک طبقه کارگر بیکبار نه مبارزه کنیم.
- ۱۴- تاریخ سازمان و جنبش کمونیستی را در هر زبان و هر کشور فراگیریم.
- ۱۵- هر چه شقاوت در ارتقا داری خودبختی را افزایش دهیم.
- ۱۶- موش و مار کمیسر، لنینیسم و اصول انترناتیونالیم - پرولتاری را به سوزیم و بکار بگیریم.
- ۱۷- برای ارتقا سهم و نقش زنان در حیات سازمان مبارزه کنیم.
- ۱۸- نظیاط سازمان را به هر چه شقاوت در ارتقا داری خودبختی را هر چه بیشتر فراگیریم.
- ۱۹- برای گسترش دموکراسی حزبی، برای تقویت روحیه جمعی بکوشیم.

چرا اعدائمان... بقیه از صفحه ۱۶

اعدام و کشتار فداییان خلق ایران، فدا بیانی که از سالها پیش اسیر بوده اند، رابه مشخصا در رابطه با تصمیماتی دید که رژیم اخیر در مورد سازمان گرفته است. تصمیماتی که بیش از همه ناشی از مجوز رژیم بدورش به دستگاه رهبری سازمان و مسئولین تشکیلات آن و نیز ناشی از گسترش تعرض سازمان علیه رژیم و تقویت روزافزون موقعیت سیاسی و اجتماعی سازمان است. این رژیم با دست زدن به این جنایات بیسعه اهدافی که در برابر خود قرار داده است، تا نائل خواهد شد؟ رژیم به با این اعدام ها، زدن به بکار گرفتن تمام امکانات خود برای ضربه زدن به تشکیلات به میدان آمده است. تا بلکه در میان فعالین فدایی روحیه انفعال ناشی از رعب ایجاد کند. رژیم دوست مثل زمان شاه می خواهد به انقلابیون با صلح نشان دهد. قادر است هر کس را که مبارزه کند، به دام اندازد و حتی پس از سخت ترین شکنجه ها به جوخه عدا میسازد. اما امکانات واقعی رژیم در حال حاضر خیلی کمتر از رژیم شاه است. زیرا نه سازمان دیگران سازمانها سابق است و نه مردم همان مردم سابق اند. و تا زه در آن زمان تجربه نشان داد که سیاست قلع و قمع انقلابیون نتایج مطلوب برای دشمنان نداشت. امکانات رژیم برای خاموش کردن مبارزه انقلابی نسبت به سالهای رگ و خون خاش قبل از انقلاب فوق العاده کمتر و امکانات نیروی انقلابی برای مقابله با موج سرکوب و اختناق و فرورزن ترسیدن این شعله فوق العاده بیشتر است. تجربه اثبات خواهد کرد که خون مودنیها، جنایاتی ها و تا با اینها و دیگر فدا بیانی که طمعه انتقام جویی ددمنانه رژیم شدند، درست برخلاف آنچه که رژیم مسور می کنند در جهت تقویت اعتماد به سازمان، به زنده نگه داشتن و پیوسته به توان پایدار و مقابله

آن با این هجوم خونین تا نیرخواهد کرد ۱۵ سال بعد از سیه هکل با زخم رفتای ما رابه جوخه اعدا می می سپارند. ایمان داشته باشیم که این خون های که امروز بر زمین می ریزد، بسان همان خون قهرمانان سیا هکل، در طرازی که ملا بزرگ، یورش تا زای، سرشار از زرم انقلابی را در میان فداییان خلق ایران سازمان خواهد داد.

پس از چهار بار رشتا جوخین به رهبری سازمان در زمان شاه، اکنون برای پنجمین بار اعضای رهبری سازمان در رژیم خرابی کشتار می شوند. جزئی ها، قربانیها، مسوردها و پویانها، اشرافا و اربابانها و نیز رفقای مجرب بیکار رجویی را که امروز از ما ربهوده اند، بزرگترین سرما به جنبش انقلابی ما بوده اند. فقدان آنها بزرگترین غایبه و بزرگترین ضربه به پریکر ما بوده و هست. تنها موفقیت رژیم جمهوری اسلامی، و در عین حال کشیف ترین هدف ردیلاشه آن، محروم کردن جنبش کمونیستی و کارگری ایران از زندگان آگاه و بیگانه رجویی است که بطور قطع و به ناکزیر سرنوشت انقلاب ایران را رارقت می زنند. این اعدام حجت کلاما واقعی و آگاهانه رژیم برای اعدای رفقای ما است.

با این حال اکنون، در آستانه پانزدهمین سالگرد سیه هکل، در آستانه زادروز فداییان خلق ایران وقتی افزایش آنها به تا شرواقمی و ساند، راین ترشدهای دوزخی نفرین شدگان تاریخ می نگریم هر چه استوارتر شویم که نسلی از فداییان خلق که امروز در زیر ستمگین ترین کوره آزمون تاریخ، در این شرایط سرکوب و اختناق سازمان و سترگور پنهان طبقه کارگر و توده های مردم زحمتکش ایران را استوار می سازند و از این ها روز به روز، بیژن ها و حمیده ها، رقیها و منصوره های بیشتر و با زهم بیشتری را از سینه بیرون خواهند داد. آری ما بسیا ریم.

زنان مبارز! علیه تحمیلات ارتجاعی رژیم اعتراض کنید

از میان گزارشها

افزایش بیسابقه اخراج

اخراج کارگران توسط مسئولین رژیم جمهوری اسلامی بیش از پیش ادامه دارد. اگر در گذشته عمدتاً کارگران و کارمندان مبارزان انقلابی به بیانه های مختلف توسط مسئولان رژیم و سرما به آران تحسنت حمایت آنها، از کارخانه ها اخراج می شدند اکنون بدلیل بحران اقتصادی فزاینده ای که رژیم بر سر آن دست بگریبان است، توده های وسیع کارگران از کار برکنار می شوند.

این وضع بیش از گذشته ناراضی و اعتراض کارگران آرزویم ضد کارگری خمینی را برانگیخته است.

نمونه های زیرگویی اخراجی های روزافزون کارگران و کارمندان زحمتکش میهنمان و اعتراض آنان به سیاستهای فسادکارگری رژیم جمهوری اسلامی است:

چندی پیش حکم اخراج ۱۵ نفر از کارگران زن کارخانه چرم سازی خسروی تبریز بوسیله مسئولین کارخانه صادر گردید. کارگران زن اخراج شده که وضع اقتصادی بسیار بدی داشتند، دست به اعتراض زده و این تصمیم فسادکارگری را محکوم نمودند. اخیراً مسئولین وزارت بازرگانی ۱۵ نفر از کارمندان زن آن وزارتخانه را به بیانه حکم نمودند. اخراج کارگران زن، اغلب اخراج شدگان کسبه دارای سابقه کار طولانی دروزارت بازرگانی بودند، به اخراج غیرقانونی خودتصمیم مسئولان ضدمردمی وزارت بازرگانی شدیداً اعتراض نمودند.

اعتصاب کارگران کارخانه "ایران فایر"

چندی پیش کارگران کارخانه "ایران فایر" در اعتراض به اخراج ۵۰ تن از همکارانشان که بی بیانه کمبود مواد اولیه صورت گرفته است، دست به اعتصاب زدند. کارگران معترض این اقدام فسادکارگری مدیران کارخانه را که با همکاران و مشورت وزارت کار انجام یافته است، محکوم کردند. اعتصاب کنندگان خواستار لغو فوری حکم اخراج همکارانشان و بازگرداندن آنها بر سر کار بودند.

بخشنا مه اخراج کارمندان

از سوی مسئولان ضدمردمی جمهوری اسلامی، طی بخشنامه محرمانه ای به کلیه وزارتخانه ها دستور داده شده است که هر ساله به میزان ۵ درصد از کارکنان خود بکاهند. متعاقب صدور این بخشنامه مسئولین وزارت کثافت کاری آنرا به اجرا درآورده و تعدادی از کارکنان خود را اخراج کرده اند. مفاهمین بخشنامه دروزارت آموزش و پرورش نیز به اجرا گذاشته شده است.

اعتراض کارگران "رازک"

کارگران کارخانه داروسازی رازک (فایزر سابق) بخاطر عدم رسیدگی مسئولین کارخانه به درخواستهای برحق خود اعتراض کرده اند. کارگران این کارخانه خواهان افزایش دستمزد، کاهش ساعات کار، پرداخت حق افزایش تولید و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل هستند. مدت ها است که مسئولین کارخانه از رسیدگی به خواسته های عادلانه کارگران شانه خالی می کنند و از دادن جواب به کارگران از طرفی می روند. این عمل مسئولین اعتراضات شدید کارگران را برانگیخته است.

اعتصاب رانندگان میننی بوس در خرم آباد

چندی پیش رانندگان میننی بوسیله داخل شهری خرم آباد جهت اعتراض به نبودن سایل بدکی و نیز بعنوان اعتراض به عدم تبلیغ گرافتی بعنوان حق "شراکت" و موجز کار از طرف شهرداری خرم آباد دست به اعتصاب زده و در مقابل شهرداری اجتماع نمودند.

در پی اعتصاب رانندگان میننی بوس، شهردار مرتجع خرم آباد دستور داد که راننده های بنیاد شهید و کمیته شهرداری، رانندگی میننی بوسها را برعهده گیرند. او با همکاری ارگانهای سرکوبگر رژیم، ضمن تهدید رانندگان اعتصابی، ۸ نفر از آنان را بعنوان اخلاک دوستگیر و روانه زندان و شهرتانی نمود. در مقابل این اقدام سرکوبگرانه رانندگان اعتراضی نه تنها خواسته های عادلانه خود دست برداشتند بلکه مصمم و یکپارچه به اعتراض و اعتصاب خود ادامه دادند. مسئولان حکومتی که از اتحاد و ایستادگی رانندگان اعتصابی وحشت کرده بودند، زبونانه عقب نشینی کرده، خواسته های

آنها را پذیرفتند و همکاران زندانی آنها را آزاد کردند.

گسترش استعفاء در مجتمع مس سرچشمه

اخیراً پس از بررسی ها و آزمایشات متعدد معلوم شده است که به علت وجود آب بره ای سمی و آلوده در فضای مجتمع مس سرچشمه سلامتی کارگران و کارکنان آن در معرض خطر جدی است. مسئولین مجتمع در مقابل این خطر هیچ اقدام چاره جویانه ای به عمل ننداده اند. این امر موجب تشدید موج استعفاء کارکنان و مهندسی شده و این مجتمع را به حال نیمه تعطیل در آورده است. خطر ناشی از آلودگی، سلامتی کارگران را که از بام تا شام در محیط کار حضور دارند، به شدت تهدید می کند. کارگران مجتمع که در نهایت تنگدستی و محروم از حداقل امکانات رفاهی و بهداشتی مجبورند در این محیط آلوده و غیر بهداشتی کار کنند، نسبت به شرایط غیر بهداشتی و نبود اجناسی در محیط کار اعتراض کرده و خواهان بهبود شرایط یعنی بهداشتی محیط کار خود هستند.

مقاومت دهقانان "شال" قزوین

چندی پیش یکی از زمینداران سرشناس منطقه "شال" قزوین به اسم حاج علیخان "با کمک" مقاومتی و با حمایت ما مورین کمیته، جهت پس گرفتن زمینهای مورد ادعای خود به روستای "شال" مراجعت نمود. دهقانان که از قصد "حاج علیخان" باخبر شده بودند، از ورود او به روستا مانع بعمل آوردند. ما موران سرکوبگر رژیم که وضع را چنین دیدند اقدام به تخریب شانری نمودند و با دهقانان معترض درگیر شدند. کمیته چی ها تعدادی از دهقانان را دستگیر و روانه زندان کردند.

بدنبال این تهاجمات و دستگیریها، عده ای از اهالی منطقه جهت شکایت به مقامات قضایی راهی تهران شدند. در روز ۲۴ مهر ماه نیز تعداد زیادی از روستاییان منطقه در اعتراض به دستگیری بیسابقه در مقابل دادستانی قزوین اجتماع نموده و ضمن محکوم کردن اقدامات سرکوبگرانه رژیم خواهان آزادی دهقانان زندانی شدند.

مقاومت پیروزمند دهقانان "سلیم بهرام"

در روستای "سلیم بهرام" ما زندران مرتضی وجود دارند که از مدت ها پیش اهالی محل جهت اجرای دامهای خود از آن استفاده می نمودند. اخیراً راندارمری محل با کشیدن سیم خاردار به دور مرتع مانع اجرای این عمل روستاییان گردید. مردم روستا در اعتراض به این اقدام راندارمری سیمهای خاردار را خنثی کرده و سپس دامهای خود را روانه مرتع نمودند.

ما مورین ژاندارمری جهت مقابله و متفرق نمودن روستاییان به آنها هجوم آوردند. ولی مقاومت یکپارچه روستاییان با ما مورین ژاندارمری را مجبور به عقب نشینی نمود. مردم روستا بلافاصله از زمین خود نما پندگانی انتخاب کرده و جهت مذاکره به ژاندارمری فرستادند. اما ما مورین ژاندارمری شما پندگان آنها را دستگیر کردند. این با رنجی و عینت پیروزمند روستاییان ما موران ژاندارمری را مجبور کرد تا نما پندگان روستاییان را آزاد کنند. بدین ترتیب رویشانی که استفاده از مرتع را تثبیت کردند.

مقاومت دهقانان "گریستان" خرم آباد

چندی پیش فرزندان مالکان سابق روستای "گریستان" واقع در حومه خرم آباد به همراه بیش از ۱۰۰ نفر از ما مورین ژاندارمری و دیگر ما مورین سرکوبگر رژیم، جهت باز پس گرفتن زمینهای زده قانان، اقدام به محاصره روستا نمودند. آنان با حمایت ما مورین ژاندارمری قصد داشتند زمین دهقانان را با تراکتور شخم زده و کشت نمایند.

اهالی روستا با مشاهده این وضعیت بلافاصله بطوریکه رجا اقدام به مقاومت و مقاومت کردند. آنان جهت دفاع از زمینهای خود، مزدوران رژیم را سنگباران کرده و ما مالکان مهاجم و ما مورین همراه آنها را وادار به فرار نمودند. چند روز بعد ما مورین ژاندارمری ۹ نفر از دهقانان را دستگیر و روانه زندان خرم آباد کردند. ولی دهقانان از بیای نشسته، بلافاصله به همراه زنان و فرزندان خود جهت اعتراض به استناد سازمان خرم آباد و سپس به تهران مراجعه نمودند. سرانجام اعتراض و مبارزه دهقانان منجر به آزادی همه دستگیر شدگان گردید. دهقانان، موفق بر سرزمینهای خود و رجا رویش با زنگشتند.

زدی و اختلاس در ارگانهای رژیم

زدی و ارتشاء و سوءاستفاده در ادارات و ارگانهای رژیم خمینی بیداد می کند. مسئولین و دست اندرکاران رژیم حاکم در رقابت با همدیگر پرشتاب و بی بندوبار اموال و داراییهای مردم زحمتکش میهنمان را راتا راجمی کنند، توده های زیربخش کوچکی از زده دینها و غیبا شتهای رژیم حاکم و مسئولین آن را نشان می دهد:

تبریز: "آقا زاده" مسئول سپاه پاسداران تبریز، بخاطر دادن حصابهای قرض الحسنه (پس انداز) در بانکهای متعدد، بطور همزمان برنده چندین جایزه کلان گردید. این مساله باعث کنجکاو و پیگیری قضیه توسط مردم تبریز شد. اعتراض مردم رژیم را به هراس انداخت و نمایندگان از تهران برای رسیدگی به تبریز اعزام گردیدند. پس از بررسی معلوم شد که شخص نامبرده با ادزای و اختلاس مبلغ ده میلیون تومان در حسابهای گوناگون خود پس انداز نموده است. افشای این قضیه باعث خشم و نفرت مردم تبریز نسبت به رژیم حاکم و مسئولین ضدمردمی آن گردید.

خوزستان: یکی از اقلام سوءاستفاده های بیسی که اخیراً در ستاد بازاری ونوسازی مناطق جنگزده خوزستان بر ملا شده است، نا پدید شدن ۱۲۰۰ شبن آن آلات است که به ستاد ونوسازی و بازاری مناطق جنگزده توسط مرکز تهیه و توزیع آن آلات اخراج کشور خریداری کرده بود. پس از افشای این مساله و پیگیری آن توسط بازرسان معلوم شد این آثارها که از تبریز به خوزستان به نام مقدسات بازاری خوزستان حمل گردیده، هیچگاه به انبارهای این ستاد در اهواز و دیگر شهرهای جنگزده نرسیده و توسط مسئولان این ستاد به بازار سیاه روانه شده است.

گرفتن خون از بیماران

با اوج گیری شتفر مردم از جنگ و رژیم جنگ افروز خمینی و بخاطر عدم استقبال مردم از اهدای خون به جبهه ها، اخیراً از سوی سازمان انتقال خون ایران بخشنامه جتایکتار اهدای با مضمون زیر به کلیه واحدهای درمانی تبریز و ابلاغ شده است. در این بخشنامه اشاره شده است که چون سازمان انتقال خون تنها منبع تامین خون مورد نیاز آذربایجان شرقی و غربی و قرآراگه حمزه سیدالشهدا می باشد و بخاطر عدم استقبال از اهدای خون توسط مردم، دستور داده شود تا از این پس از "هر بیماران که در بیمارستانها بستری می شود" و "از اطرافیان بیمار" یک واحد خون گرفته شود. در مورد بیماران اورژانس نیز سفارش شده، بر ترحیمی داده شود که پس از اخذ تصدیق معتبر مبنی بر "مراجعه اطرافیان بیمار جهت اهدای خون" بیمار بستری شود.

این دستورات جتایکتارانه عمال رژیم خونخوار خمینی که کارکنان بیمارستان و مجبور به اجرای آن هستند - باعث خشم و نفرت و اعتراض شدید مردم و مراجعین و نزدیکان بیماران گردیده است.

تظا هرات مردم "فارسان" علیه رژیم

در پی درگیری زحمتکشان شهر فارس واقع در چهارمحال بختیاری با پاسداران مردم خشمگین با شعار "مرگ بر خمینی" و "مرگ بر پاسدار" به خیابانها ریختند و دست به تظا هرات زدند.

روز چهارم شهریورماه سال جاری مسئولین رژیم جمهوری اسلامی دشر "فارسان" واقع در چهارمحال بختیاری دست به جنایات جدیدی زدند. در این روز شهردا فارسان به اتفاق ما مورین شهردا ری و پاسداران سرکوبگر رژیم جهت تخریب خانه های خارج از محدوده که مردم زحمتکش محروم بین شهر، با کمترین امکانات آنها را ساخته بودند، به این محل هجوم آورده و از ساکنین محل خواستند تا منازل خود را تخلیه نمایند. مردم زحمتکش محله در مقابل تهدید سرکوبگران مقاومت نموده و اجازه ندادند که ما مورین منازل آنها را تخریب کنند. مردم متحد و یکپارچه در مقابل پاسداران ایستادند و مانع اقدام آنها شدند. پاسداران به دستور شهردا جتایکتار فارسان به سوی مردم آتش گشودند و تعدادی را مجروح کردند. بدنبال این ماجرا مردم خشمگین به پاسداران هجوم آوردند، دامنه سرکوبگری ها گسترش یافت و به تظا هرات سراسری در سطح شهر فارس منجر شد.

مردم فارس بعنوان اعتراض به این جنایت و اقدامات و مشیانه رژیم با شعارهای "مرگ بر خمینی" "مرگ بر پاسدار" و "مرگ بر جنگ" به خیابانها ریختند. تظا هرات خشمگینانه مردم فارس علیه رژیم جتایکتار پیشه خمینی تا چند روز ادامه داشت.

چرا اعدا مسان کردند؟

رژیم ددمنش جمهوری اسلامی، سرشار از زکیبندی و نفرتی عمیقاً ضد انقلابی به تنبکاریهای تازه تری روی آورده است. رفیق رفیق الدین تابان عضو مشاور کمیته مرکزی وعده با زهم بیشتری از گارد های برجسته سازمان در ماههای اخیر بیا به جوخه اعدا مسان سپرده شده و با زیر شکنجه به شهادت رسیده اند. همه این رفتارها سالها پیش در زندان جمهوری اسلامی اسیر بوده اند. جرم همه آنها مبارزه با ظلم و آزار و بی احترامی طبقه کارگر و دیگر توده های رنجبر و وفاداری حاسی به سازمانشان بوده است. آنها سرافرازانه ایستادند و از اعتقاد خود به ما که میسر است، لنینیسم، از ایما ن خود به پیروزی طبقه کارگر و حقا نیستت کمونیسم قهرمانانه دفاع کردند. مناره و ایستادگی آنان در راه خلق، بیگربا گمان و آماج کین حیوانی دژ خیمان حاکم ساخت. اما گلوله های رژیم قبیل از آنکه به سوی این رفیقان شهید شلیک شده باشد، تمام سازمان را آماج کرده است. نگاه به جنبش انقلابی ایران و سیر هردم بالنده و آواچ گیرنده نقش و تاثیر عملی و ملموس فدائیان در خلق درک قابل سازمان نکران میان طبقه کارگر و دیگر توده های زحمتکش، نقش تشکیلات سازمان فدائیان خلق بمنتها به عفت نیروی فعال و متشکل در کشور، گسترش فعالیت تبلیغی و حضور فعال و موثر سازمان یافته هزاران فدایی خلق ایران حتی در دور دست ترین

شهرها و روستاهای ایران خشم و کین این خادمان درگاه ستم و سرمایه را واقعاً برانگیخته است. آری، هدف اساسی نابود کردن سازمان، از پس انداختن آن، مرعوب کردن آن و اعمال فشار بر آن است. برخی سازمانها اخیراً در زمینه "تخفیف فشار" و "انعطاف بیشتر" در سیاست رژیم نسبت به "مخالفین" اظهار نظر کرده اند، برخی نیز رژیم را در آستانه سقوط می بینند و طبعاً برای باورند که این اعدا مسان ها هم در همین رابطه است. اما باید گفت در این اواخر تخفیف در سیاست رژیم نسبت به نیروهای سیاسی مترقی کشور وجود نداشته است. انتصاب خویشی ها و انتخاب منتظری نشان ه هیچ حرف تازه ای نیست. حتی محکومیت رژیم در زمینه لگدمال کردن حقوق بنشردرچلمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز در وضعیت فعلی سیاسی و اکنشی فرا ترا ز این ندارد که اجازه دهند دژ بیگار خارجی از "غرفه" قربانیان که سبب زور و وحشیانه ترین شکنجه ها، دست آورده اند، دیدن کنند. ناراضی و اعتراض توده های نیز هنوز به خشن ترین شکل، سرکوب و مهار می شود. این نتیجه گیری که رژیم فشار بر نیروهای مترقی را کاهش دهد، نه با ماهیت و نیازهای رژیم سازگار است، نه با عمل فشار بر نیروی، چه در ایران چه در خارج به حد کافی وجود دارد، و نه این گاه ه با فاکت های واقعی قابل تنبک یا پسند است. مسجوع

توطئه "سمینار تهران" علیه معلمان و دانش آموزان

اخیراً روسای مناطق آموزش و پرورش کشور، کسانی که آموزش را جز تحمیل عقاید ارتجاعی رژیم به دیگران نمی دانند، و با پرورش نسل جوان کشور دشمن هستند، در تهران دوره هم جمع شدند و پس از تبادل نظر قطعنامه ای صادر کردند که زهر نظر آنها بر آن است. قطعنامه سمینار روسای روسای مناطق آموزش و پرورش کشور است. جنایت دیگر این رژیم علیه نسل جوان کشور است. مطابق این قطعنامه سمینار تصمیم گرفته است:

- ۱- کلیه بودجه عمرانی سال تحصیلی ۶۵-۱۳۶۴ وزارت آموزش و پرورش (نظیر ساختمان سازی، تعمیرات مدارس و موسسات آموزشی، تامین تجهیزات مورد نیاز و زوا را، خرید وسایل و...) را لغو کند.
- ۲- ۵ درصد حقوق کارکنان آموزش و پرورش کم شود.
- ۳- امسال نیز در مناطقی که با کمبود مدرسه و معلم روبروست، سیستم نوبت در مدارس برقرار شود.
- ۴- تخلیه مدارس مورد نیاز را بیدار بگیرد. در این حال به حکام جنایتکار شرع توصیه شده است که میزبان تخلیه را به تنبکاری است.
- ۵- از میان جثه ها دو مهم سمینار مرتجعان آموزش و پرورش راه های بیچاره جویی برای رفع انزوای کامل آموزش و پرورش و برپا ن این بخش بوده است. بیسوا دی زورگویی های مرتجعان آموزش و پرورش بی برتا می این بخش جاسوس پرور و تفتیش عقاید از عوامل انزوای آنها ذکر شده است. حدت انزوای این واحد تفتیش عقاید را می توان از اینجا فهمید که در یک مورد از ۳۵۰۰۰ دانش آموز دعوت شده برای شرکت در اردوی تابستانه این واحد تنها یک دانش آموز با یک مبلغ مشیت داده است. این اردو که می گذرد اعتراض دانش آموزان و معلمان از اعمال انزوای وسطایی این مرکز جاسوس پروری گسترش می یابد. سمینار مرتجعان این واحد آموزشی ضد پرورشی را بدلیل آنکه در انجام وظایف خود موفق نبوده است، مورد حمله شدید قرار داده است.
- علاوه بر آن سمینار به با زکشت تعدادی از معلمان که به ناحق با کمزوری شده اند، شدیداً اعتراض کرده و از دادگاه انقلاب تقاضا کرده است که پرونده ه افرادی را که بازگشته اند، جهت تصفیه مجدد آنها مورد بررسی قرار دهد.
- همانطور که ما هیت فدائیان این رژیم و عملکر د این سمینارهای کذابی نشان داده است، هدف این کردها بی ما توجیه سیاست رژیم تسهیل اجرای این سیاست هاست. سیاستی که در این سمینار کذابی تشریح و به تصویب رسیده است، همانا نظور است. در قطعنامه سمینار رنجبر بخشای آن انعکاس یافته است. همان سیاست ارتجاعی سابق رژیم است. رژیم علیرغم گسترش اعتراضات می گوشه را می برای اجرای تمام و کمال این سیاست باز کند. معلمان و دانش آموزان آگاه باید جلوی اجرای این قطعنامه را بگیرند و سیاست آموزش رژیم را بیش از پیش افشا کنند و با شکست روبرو سازند.

آدرس: P1.10 1091 WIEN AUSTRIA
تریش

بقیه در صفحه ۱۴

متهم بودن مردم است. موارد متعددی اتفاق افتاده است که جلادان تمام افراد یک خانواده را دستگیر کرده و اقوام و نزدیکان کسانی که بنظر رژیم مشکوک هستند، گرگان گرفته اند. در ایما هجالی رژیم تنها شکنجه و شلاق در انتظار زندانیان است. شکنجه گران تابع هیچ قانونی، جز قانون سیاه پاسداری از منافع ارتجاع و ارتقای خوی حیوانی خود نیستند. هر ما مسجوعی میتواند بر حتی سرنوش و زندگی زندانیان راه بازی بگیرد. بسیاری از مقامات حکومتی و نمایندگان مجلس ارتجاعی مستقیماً در شکنجه زندانیان شرکت می کنند. شلاق زدن با کابل و آویزان کردن زندانی برای ساعتها ای مشا دی، قطع و بریدن اعضای بدن، سوزاندن با آماج برقی، شوک الکتریکی، کرسنه نگاه داشتن، تجاوز به زنان زندانی در مقابل چشمان شوهر و اقوام، شکنجه کودکان در برابر مادران تنها گوشه های از واقعات ترکان دهنده ای است که در زندانهای خمینی می گذرد.

زندانان از هیچ گونه حقوقی برخوردار نیستند حق دفاع از خود و انتخاب وکیل مدافع در شکنجه گاهای جمهوری اسلامی وجود ندارد. دادگاهها غنایا در طرف چند دقیقه اجکام اعدا مسان و حبسهای طولی مدت صادر می کنند. ملاقات، بهداشت و درمان، غذا و... در بدترین سطح ممکن است. رژیم از شکنجین برای آزار و اذیت و زندانیان استفاده می کند. برخی خمینی برای پیشبرد اهداف پلید خود بخش اعظمی از بودجه خود را صرف نگهداری و خیر و سرکوبگری و منبیتی مینماید. انواع گشتهای ویژه در پی شکار انسانها در خیابانها، خانه ها، جاده ها پارکها و هر مکان تجمع مردم، زندگی را برهم می مینماند ما سیاه کرده اند. ایران به زندان بزرگی تبدیل شده است.

رژیم خمینی بدلیل ابراز خشم و تنفر جهانیان نسبت به این همه جنایت و قتل و کشتار، از یکسو در مدد توجیه جنایات خویش برآمده و وشیا دان به وروال همیشه قطعنامه سازمان ملل را توطئه و تبلیغات استکبار جهانی نامیده، و از سوی دیگر به تهدید و فشار بر افراد مهاجرتی دست زده است. نخست وزیر ارتجاع با وقاحت می گوید: "بها این داوریها اهمیت نمی دهیم و می خواهیم اعلام کنیم که سیاست دولت ایمن خوا هود که با زمثل همیشه هر نوع تحریکی که بخواد هجا لت براندازی نظام داشته باشد سرکوب خواهد شد." وی می گوید: "ما از کاری که می کنیم به ان افتخار می کنیم!"

اما علیرغم این قلدریها، رژیم ارتجاع زبرملا شدن جنایاتش خشمگین است و زبروز خشم و نفرت مردم می ترسد. "مستضعفین" جهان که خمینی و دست آموزان رژیم از آقا می و سروری و تشکیلات امپراطوری خود را برپا نه های آنها در سر داده اند، هردم با بانگ رساتری این رژیم بلید و نفرت انگیز را محکوم می کنند. قریباً دا اعتراض در سراسر میهن ما و هر گوشه دنیا علیه این رژیم جنایتکار رزبان می کشد رژیم نفرت انگیز جمهوری اسلامی از ضلع های این خشمدرمانان نخواهد ماند. با رگا علیه جماران با همه "افتخار"ش در این آتش خواهد سوخت.

جهان رژیم تنبکار خمینی را محکوم میکند

در پی اعتراضات جهانی به کشتار نیروهای ترقیخواه و انقلابی و دیگران ندیشان توسط رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی، ما گذشته مجمع عمومی سازمان ملل متحد با صدور قطعنامه ای رژیم خمینی را بدلیل نقض شدید حقوق بشر در دیدن حکومتی نظامی شیلی، السالوادور و کواتمالا در صدر تنبکارتترین رژیمهای جهان قرار داده و محکوم ساخت. ابعاد جنایات و قتل و کشتار و فرزندکشان انقلابی مردم ما به آن اندازه هولناک است و سفاکیهای رژیم بدان اندازه در جهان زبان نرسد شده، که برای نخستین بار با زتاب این وحشیگریها به مجمع عمومی سازمان ملل کشیده شده است. گزارشی که توسط کمیسیون ویژه سازمان ملل در این رابطه به مجمع عمومی داده شد، شامل موارد و نمونه های متعدد مربوط به بازداشتهای بدون ماکه، شکنجه و اعدا مسان و ممنوع ساختن زندانیان از ملاقات با وکلای مدافع و اقوامان می باشد. در این گزارش فهرست نام ۲۰۰ نفر آگسه در سال ۱۳۶۳ در زندانهای رژیم بقتل رسیده اند، ذکر شده است. البته این گزارش علیرغم افشای همه جنایات رژیم توسط سازمانهای مبارز و انقلابی، بگونه ای تنظیم شده که کمترین فشار بر رژیم خمینی وارد شود. این گزارش حتی از گزارش سازمان عفو بین الملل نیز بسیار محتاطانه تر است. این گزارش ضمن اینکه افکار عمومی جهانیان را بیش از پیش به جنایاتی که در حق خلق صورت می گیرد، آشنایی سازد و رژیم رسوا می خمینی را رسوا تر میکند، اما فرسنگها از واقعات فاجعه آمیز میهن ما دور است.

تنها طی چند ماهه اخیر رژیم ضد بشری عده ای از هبران و کادریا برجسته سازمان ما از جمله رفقا رفیقانی، رفیق الدین تابان جهانگیر بیجاچی، محمد امین شیرخانی، ابراهیم لطف الهزاده (سیه)، راهمراه با گروه کثیری از دیگر انقلابیون به جوخه های اعدا مسان سپرده است. رژیم افراد را صرفاً بدلیل داشتن عقیده مخالف با منابر عقیده خود می کشد. جلادان رژیم دور از چشم مردم گروه خود را از ادیخواهان را بدو محاکمه تیرباران می کنند و حتی زنان حامله و کودکان را به شهادت میبرسانند.

در سیاه جالیها و شکنجه گاهها دهها هزار زندانی سیاسی در شرایط طاقت فرسا و هولناکی به سرنوشتی در رژیم خمینی کانی است که به تشخیص یک پاسدار به گزارش یک جاسوس یا سبه سابقه یکی از گشتی های رنگارنگ رژیم، انسانی "مشکوک" شناخته شود، تا دستگیر و تحت شکنجهای وحشیانه قرار گیرد. جمهوری اسلامی آمل بسر

حساب بانکی: AUSTRIA - WIEN BAWAG NR. 029 10701 - 650 DR. GERTRAUD ARTNER

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!